

مکتوب شیراز

در شماره پنج شرحی از واقعات شیراز و حضرت  
حجت الاسلام آقای حاج میرزا ابراهیم عجلانی بسم حامی  
نصرالدوله نوشته شده محض استحضار قانونین جبل‌المتین  
میگویم که نگارنده آن با از حقیقت امر واقف  
نبوده و یا بی‌اصافی نموده است، لذا صورت برخی  
مراسلات و تلگرافات که عدم حجاب بلکه نفرت  
حضرت ایشان را ظاهر میدارد ذیلاً مینویسم

سواد رفته ایست که حضرت آیه الله

( آقای آقا میرزا ابراهیم محض استماع رفتن )

( نصرالدوله بلار برای جناب آصف‌الدوله )

( ایالت هرس مرقوم فرموده‌اند )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

بمرض میرساند - اگرچه حل داعی امروزه  
تقتضای بعضی اقدامات را ندارد بلکه واقفاً و حقیقه  
حرکت مذبح است و لیکن چون مقدمه حنط  
و سلامت مسلمانان است بهترین توشه است برای  
این سردور - لهذا مراجع میثوم که از قرار مذکور  
جناب نصرالدوله خیال حرکت بسمت لار دارد و  
نتیجه این کار بر کسی مخفی نیست، لهذا بر عهده  
داعی است بصریقی که بدانم با نگر باشد در مقام  
مع برآیم - و آن طریق را منحصر میدانم بحکم صریح  
جناب مستطاب عالی - و از این حرکت البته جناب  
انرف عالی هم مصایقه نخواهید فرمود و بپذیری از  
معاذیر متعذر نخواهید شد زیرا که جای القاء معاذیر  
نیست - ریاده زحمت است

( جواب جناب آصف‌الدوله )

عرض میشود - انشاءالله مراجع معود مبارک  
قرین صحت و رفح کسالت شده است در مسئله  
رفتن جناب نصرالدوله بلار مرقوم فرموده بودید  
که نوشته شود مراجع نمایند مذاکراتی امروز شد  
و حالا هم مینویسم بنصرالدوله که در هر جا این  
کلمه رسید مراجع نماید خاطر مبارک از این جبهه  
آسوده باشد

حضرت آیه الله بر این نوشته هم اکتفا ننموده  
مقرر فرمودند که انجمن ایالتی هم شرحی به ایالت  
نوشته و جداً حکم مراجعت نصرالدوله را از ایشان  
بخواهند، ایالت هم شرحی بنصرالدوله نوشته به این  
مضمون که بحسب حکم جناب مستطاب شریفتمدار

حجت الاسلام والمسلمین آیه الله آقا میرزا ابراهیم عجلانی  
برکاته و انجمن محترم ایالتی فارس در هر نقطه که  
منتهد فوراً معاودت کنید

بعلاوه شرحی هم مقرر فرمودند که از انجمن  
ایالتی بخود نصرالدوله بنویسند و شرحی هم از انجمن  
محترم ایالتی خدمت حضرت آقا عرض کردند که  
نصرالدوله بلار رفته و حضرت مستطاب عالی در این  
باب چه میفرمائید؛ درحاشیه آن نوشته انجمن ایالتی  
بخط خود مرقوم فرمودند « کراراً و صراراً این  
مطلب گفته شده است که رفتن او بلارستان حرام  
است، حرام است، حرام است، و چندین فقره به  
ایالت هم نوشته است که حکماً این صنحات را به  
آنها وا ننگذارد و طایع از رفتنشان شود و حال هم  
بدون اطلاع داعی ایالت او را روانه مکرره همین  
نوشته را با حکم ایالت برای او بفرستید که در هر  
نقطه ایست فوراً سعادت نماید »

نوشتهجات را بردند بعد از چند روز جواب  
هر سه یاکت رسید که عین جوابی را که نصرالدوله  
حضور حضرت آقا عرض کرده بود محض استحضار  
فرستاد

سواد جوانی که نصرالدوله حضور

( حضرت آیه الله عرض کرده )

بمرض مقدس حضرت مستطاب عالی میرساند دستخط  
مطاعه حضرت مستطاب عالی مشعر بر ارجاع این بنده  
از عزیمت لار امروز صبح شنبه ۲۴ ع ۲ زیارت  
بر حضور مبارک پوشیده و بنهان نمیشد که جنابان  
مستطاب آقای حاج مهذب الدوله و حاج میرزا  
احمد خان و جناب مستطاب آقا شیخ احمد از طرف  
خود حضرتعالی رفتند خدمت آیات جلیله دامت  
شوکت و انتزاع اداره لارستان را از بنده خواستند  
قبول نکردند و حرکت بنده هم از شیراز بجهت  
لارستان نبود برای تنظیم ایلات و سرحد بود  
در عرض راه تلگراف اعلی حضرت قدس قدرت  
شاهنشاهی که عنوان بخود کارگذاران ایالت و انجام  
ماموریت بعهده این بنده بود با احکام مجدانه  
موکدانه از خود ایالت جلیله رسید که این بنده  
را مجبور و محکوم به این ماموریت فرمودند تاچار  
حرکت کرده و تصور مینمودم که خاطر مبارک  
حضرت مستطاب عالی و اعضاء محترم انجمن ایالتی

بی اطلاع نگذاشته اند مراتب را عرض استحضار خاطر مبارک عرض مینماید که به بعضی ملاحظات حرکت بنده را حمل برخلاف قانون فرمائید، اگر مسؤولیتی است بعهده کارگذاران حضرت ایالت میباشد این بنده غیر از آلت کار و نوکر چیزی نبودم و بر نوکر اطاعت امر و انجام ماموریت است پس از رسیدن احکام ماموریت ناچار حرکت کرده آمدم در دور لار و در یکفرسخی منزل کرده و ابتداءً بنیر از مراسلات مودت انگیز و صلح آمیز کاری نکرده و تا بیست و پنج نفر از بستگان مخصوص بنده را نکشتند هیچ اقدامی ننموده پس از ایسکه بیست و پنج نفر از بنده کشتند لابد در دفاع شده و لار را تصرف نمود، و اینکه از طرف اعضاء انجمن محترم ایالتی به این بنده مرقوم داشته اند یکی از شرایط اصلاح در حضور مبارک حضرت مستطاب عالی صرف نظر کردن این بنده از هذه السنه لارستان بود اگرچه منتهای آمال بنده بود که این محل را تخلیه نماید ولی جسارتاً عرض مینماید شرفیابی بنده در حضور مبارک دو فقره بود، یک فقره در انعقاد انجمن اتحاد و انخاب عمومی و فقره دوم در انجمن ایالتی فارس، و در این دو فقره ابداً حضرات جن عاونی نکرده و چندی شرطی نمودند و الا ما هایت امتثال اطاعت مینمودم حالاً هم حسب الامر ایالت فردا حرکت مینمایم این بنده مأمور رفتن بودم حرکت کردم و حالاً که محکوم بمراحم است بجز اطاعت نخواهد کرد

سوادت گراف حضرات آیات الله ادام الله نلالهم  
( بصره جناب دهدشتی از عمره بشیراز )  
( توسط جناب حجة الاسلام آقای آقا )  
( میرزا ابراهیم دامن برکاه )

جناب جلالتمآب احل صوات الدوله دامن تاپیداته نگراف محرم رسید حین دینی آن جناب احل موجب امتنان و از اولیاء دواب هم موجبات کمال اطمینان آنجناب و انجام مقاصد ملت درخواست شد لکن این نکته مهم البته نباید غفلت شود، حال که بحمدالله تعالی مقاصد اسلامی بر وفق مرام ملت حاصل و دولت و ملت متحد است اهم تکالیف مسلمین خصوصاً مثل جناب عالی صکه حصن بزرگ بلدکنید آنکه در موجبات امنیت عمومی و حفظ

وطن اسلامی و قطع بهانه اجانب با اولیای دولت متحد و بذل هم فرموده کلیه انقلابات را رفع نمایند، مرتکبین شایع سابقه بعد از ورود حکومت مقتدر البته مجازات و با اصول مشروطیت احدی متمکن از اعمال کینه نخواهد بود بشارت موافقت کاملاً اسلام پرستان وطن پروران را عاجلاً مترصدیم انشاءالله تعالی ۲۱ تموز محمدکام خراسانی عبدالله مازندرانی

سواد رفته ایست که بعد از حرکت  
( بصرالدوله از لار حضرت آقای )  
( حجة الاسلام والسلم به حاج علیقلیخان )  
( که در لار بوده مرقوم فرموده اند )  
( بسم الله الرحمن الرحیم )

جناب معتمد السلطان حاج علیقلیخان زید محده از ملاحظه صحنه مقابل چنان افسرده و پژمرده شده و دل شکسته شده ام که در چیز تحریر نیست چگونه مسلمین آسوده می نشینند که همچو حادثاتی نسبت بمسلمانان لار وارد تا چه رسد برؤسای اسلام که وظیفه شرعیه آنهاست راحت را از خود قطع نموده اساس آسایش حی از مسلمین را فراهم درید ولی احقر بحسب وضع خودمقدمه در مقام خیرخومی وصحیح مراحمت مینماید که فرصاً در لار مینامه شا با لاری بواسطه حادثات گذشته خصومتی رخ داده اولاً جمیع هر بلدی میتوان گفت دو ثلث طفل وزن و مریض و معیض و محزنه میباشد که وجداناً مسلم است که مداخلتی در امری از اینگونه امور ندارد و ثلث دیگر بعضی بدعت و حال و عمله میباشد که تمام هم را مصروف مردور و کاسی برای تحصیل معاش عیالی خود میدارد و ما بقی بعضی منزوی بعضی در خط پناه وری اغراف قصبه حات نایت امر مثلاً از دست هزار دویست نفر را طرف خودتان دانسته باشید آیا رواست و چگونه بر خود هموار نمودید و چه جواب برای محکمه عدل الهی مهیا کردید که اسان برای صرفیت این عده قلیده صرف نظر از بیست هزار نفر مخلوق الهی نماید، به این شکل که درصحنه مقابل که حاصل نوشتجات متواتره است مرقوم شده لاحول ولا قوة الا بالله واقها متحیرم که امروزه بر این نفوس محترمه چه میگردد و چه تدارک از حال آنها میشود خداوند جل جلاله میداند

جیزی که برای مسلمین میخواهم اگر خود اقدام نماید و برود این نوشته تدارك صحیح از حال آنها گنبد از اینکه اولاً مزاحمت از آمد و شد اهالی لار بردارید که خود را در دخول یا خروج مأمون و آزاد دانند و هر نقطه خواهند بروند و از هر نقطه خواهند وارد شوند و درست درصدد استرداد اموال منوبه برآید و در مقام تعمیر خانهای آنها بلکه دغای آنها باشید و درست اهتمام در رسانیدن آذوقه به آنها نماید که از گرسنگی و عربانی تلف نشوند و دلجوئی که وظیفه بزرگ است به آنها بنمایید این خیر عمومی است که خواسته ام راجع بخودتان خواهد بود و چنانچه خدا نخواستہ علمت و غرور و تکبر دامن گیر شود و مطمئن بظلمت حاله خود شوید که ابدان تحریرات تأثیری نماید خداوند جل جلاله میداند سوء خاتمه و وحمت عاقبت این غرور چنان دامن گیر شود که باعث عبرت دیگران باشد، و اگر العباد بالله انسان معتقد عبده و معاد صحیح نباشد چنان مکافات دهر تدارك نماید که چنین روزی بخمال او گذشته باشد، انتصاری که هست از جواب اینراسته است که فهمیده شود تدارك خواهید نمود یا بخیمالات خود باقی میباشید، و مخصوصاً در حفظ مقام و تمجیل وجود شریف جناب حجة الاسلام مولانی و همراهان آن وجود محترم کمال مواظبت و در ترفیة حال عیالات و متعلقات اب ان نهایت مراقبت را منظور خواهید داشت که البته باعث نیکنامی دارین و خلاف آن موجب خسران نشاتین خواهد بود

حبل المتین

ما از حضرت حجت الاسلام محلاتی هرگز سوء ظن باستبداد و یا خدای ناخواسته همراهی مستبدین خاصه نصرالدوله بیدین نداشته و نداریم ولی ناچار بذکر عقیده خود هم هستیم و آن این است که با آنچه فتاوی حصرات آیات الله نجف اشرف و آن رسوخ و نفوذ کلمه که حضرت ایشان در کابیه فارس دارند هرگاه حصرتشان توجیهی میزمودند اوضاع مملکت ویران کن فارس باین درجه کسب و خامت نمی نمود، اشرار همان انزوا و عزلت ایشان و جدا برنخاستن شان را بر علیه مستبدین غنیمت دانسته و سبب گردید که مردم آن گونه تصورات را در حق حضرتشان بنمایند امروز هم به عقیده ما

هرگاه حضرتشان در اصلاح امور جفا بایستند احدی از مستبدین نمیتواند در قارس سربلند کند امیدواریم احکام مقام منبع ریاست روحانی اسلام را در حق نصرالدوله ملاحظه و در اجرای مواد آن بکوشند و بهتر و بیشتر عامه را از برخی شبهات بیرون آرند عالیمان را پوشیده نیست که نامه مقدس ملی را جز ترویج احکام شرع اقدس و اجرای احکام مقام منبع ریاست روحانی غرضی نیست و ننگارنده آن مکتوب هم یکی از حجت الاسلامهای معروف شیراز است، انسان مهجیر است که به نوشتهجات کی و چگونه اشخاص اعتماد باید اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین

یک از سفرای محترم می نویسند

نمره اخیر روزنامه مقدس شماره ۵ بتاریخ ۹ رجب که تازه رسیده از مطالعه آن محفوظ شدم چون بعضی خیالات جنابالی را که مخلص هم در کابیه شریک آن هستم شرح میداد خواستم اطمنان وجد خود را از این اتفاق رای عرض و مختصر جزئیات را با تبادل رای اصلاح بنام

در مسئله نیابت سلطنت معلوم است بهتر بلکه لازم است از اعمام و بی اعمام و شاهزادگان بزرگ انتخاب نشود و امروزه حضرت عضدالملک بهترین انتخاب است و یقین دارم از مجلس هم ایشان تصویب خواهند شد زیرا که خیر و بی عل و عش و همه قسم آراسته اند.

برای تربیت شاه هم باید اشخاص عالم کجاست اینکه اشخاص عرض میکنم برای این است که شاه باید در چندین قسم علوم و فنون تحصیل کرده و عالم شود و البته برای هر علم و فن یک معلم لازم است در سابق بلکه در حالیه معلم شاه یک نفر روسی است که درجه سلطانی دارد، در صورتیکه برای تربیت پسر امیر قره طاع وقتی که معلم خواستند یک نفر سرهنگ ارکان حرب از پترسبرگ فرستاد بمقیده مخلص بهتر است مهربی شاه یک نفر ایرانی که مکاتب عالیّه بخصوص مکتب نظامی را تمام کرده باشد معین شود، و سایر معلمین در تحت ریاست و ترتیبات او تعلیم نمایند، اختیار تربیت شاه و ولیعهد را نباید بیک نفر معلم دولتی که همسایه است و منافع و مصالح زیاد بلتیک و تجارتی دارد سپرد

اشخاصی که خیانت بوطن کرده اند البته باید

مشغول و مجازات شوند لکن عاقلانه از روی صحت و تربیات باشد و پس از عاقلانه و اثبات تصبیر تا یکدرجه عفو و اغراض شامل حال آنها شود خاصه که این عفو معمول به ممالک متقدمه و اینگونه مواقع است و فقط این عفو برای تهنیت پلندیکی است

اما تشکیل وزارتخانهها و دوائر دولتی و مملکتی (اداره) بجدی لازم فوری است که بشرح نیاید او این سی مجلس و اولیای امور پس از تشکیل وزارتخانهها و بلکه مقارن تشکیل ایجاد تربیات و قواعد و قوانین داخلی آنهاست و ارتباط فیما بین این دوائر و همچنین اهمیت دادن بوزارت مالیه و تجارت و علوم است زیرا که چنانکه میدانید ترقی و سعادت ملت توأم به ترقیات مالیه و تجارت ساکنین آن مملکت است، خاصه برای ایران که موقع جغرافیائی آن تا یکدرجه در حالیه آنرا در تلاق نفوذ تجارقی همسایه ها گذاشته است، تا از همسایه ها رفع احتیاج حاصل نکنیم مقصود خود را حاصل نکرده ایم، و آن قسمت میشود نفوذ و منطقه را که همسایه ها در حق ما منظور داشته و روی کاتذ رسمی آورده اند بکلی مایل نتوان کرد

پس از آنکه در مملکت وزارتخانهها تشکیل و قوانین ایجاد شد و عادات و علم میان آمد نروت مستور و مخفی ایرانیان از زیر حاک و بانک های حرحه در آمده در وص نکار انداخته و همه را ایشاء الله از قید اسارت شرابص صعبه قرض پلندیکی خلاصی خواهد داد. این قسم قروض حامیان سوز است که استقلال ملی را از دست میدهد

اما مسئله مستشاری وزارتخانهها در این مسئله هم مخلص با جنابالی هم عقیده ام که این مستشارها باید از دولیکه هیچ نفوذ بلکه مناسبات مستقیم با ایران ندارند اجیر شوند مثل دانمارک و بلژیک و نورو و سویس زیرا که انتخاب آنها از تبه دول بزرگ خاصه همسایه در صورت عدم ملاحظه اقتصادی هم اسباب حصول پاره مقاصد و رقابت هم میشود و شرط اول استخدام این مستشارها اینست که بحدت طولانی اجیر نشوند و وظیفه و مسلك آنها تربیات آن اداره و تعلیم اشخاص و

حاضر کردن آنها باشد و در تحت ریاست و امر و اطاعت وزرا باشند و شرط دوم اینست که در مواقع رسمی و ایفای خدمت تابع عادات و ملبس بلباس ایران باشند و اختیار تغییر و تبدیل و معافی آنها در دست اولیای دولت باشد

عجائز لازم است اشخاصی را که عالم و تحصیل کرده اند در وزارتخانهها داخل خدمت نمایند تا اینکه بمرور شرط دخول در وزارتخانهها را صاحب دیپلوم بودن از مدارس و مکاتب درجه اول بدانند و مجرا نمایند حتی اعتقاد دارم جوانانیکه تا حال در خارجه و یا در سفارتخانهها چندین سال بوده و میباشند عجائز احصار و در وزارتخانهها مستخدم و بجای آنها جوانان دیگر که از مکاتب سیاسی بیرون میآیند فرستاده شود که در هر دو سالی در یک پایتخت مشغول خدمت سفارت و تحصیل اطلاعات شوند و بعد در داخله در وزارت خارجه یا دوائر دولتی دیگر مستخدم کردند بمرور این جوانان تربیت شده سرمایه صحیح برای هیئت وزرای خارجه و بلکه سایر ادارات دولتی خواهند شد، مسلم است این جوانان باید وظیفه و مقرری معین داشته باشند

از جمله و سائل تحصیل سعادت برای مملکت و بی احتیاجی از خارجه نشر علوم در مملکت است و این هم نمیشود مگر اینکه وزارت علوم بودجه کافی داشته باشد و نه تنها دخول با استخدام دوائر دولتی و مملکت مخصوص باشد خاص قارع التحصیل باشد بلکه تحصیل در مکاتب را بهر فردی اراقراد ایرانی در شهرها مجبوری نمایند و در قصبه ها و دهات و ایلات هم بمرور مجرا دارند، و برای تریه بودجه وزارت علوم جزئی وجبهی بر مالیات اراضی و علاقہ جات بیزایند تا اینکه در شهرها مکاتب بجای یا بانك خرج تشکیل شود، این کارها خیلی سهل است و حالا که شکر خدا را مغایرت برداشته شده و دولت و ملت متحد و اعضای آن مشروطه خواه و همه سعادت و ترقی مملکت و وطن را طالب و همه کس ملیت و قومیت را حامی است البته مقاصد و اغراض شخصی حکمناز گذاشته هر کس تکلیف خویش را بعمل خواهد آورد

راه شوشه آستارا و اردبیل

(وقایع نکار جبل المتین از مسکو)

البته خاطر دارید در چند سال قبل تجار معتبر و غیره در ایران جمع و میانی گزاف برای کارهای تجارتی و صنعتی معین و باسم شرکت عمومی شرکتی تشکیل و ملکالتجارت طهران را هم رئیس انتخاب کردند، پس از مدتی در تفریق محاسبه معلوم شد که میانی پول مردم تلف شده و تنها چیزی که هست يك راه شوشه اردبیل و آستارا است که آنرا هم حاجی حسن آقا پسر ملکالتجارت باوکالت نامه از طرف پدر خود در مسکو بيك نفر روسی اجاره داده است.

در طهران مجالس عديده کردند و عدم وکالت ملکالتجارت و بی اختیاری پسرش را ثابت کردند و هرچه خواستند راه را استرداد نمایند ممکن شد علتش هم این بود که سفارت روس به چه خیال نمیدانم میل داشت و متعذر شد که وکالت نامه حاجی حسن آقارا قوسول افتخاری ایران که يك نفر روسی بوده در مسکو تصدیق کرده که شرح آن طولانی است پس از ورود آقای مفتح الدوله به محل مأموریت خود از گوشه و کنار جداً نگران این مسئله شدند که از کم و کیف آن درست مطلع شوند تا اینکه در چند ماه قبل معلوم گردید که اجازه مذکور جعلی بوده و آن روسی (ورتمان) نام اجیر شخص حاجی حسن آقا است به سالی سه هزار و دو بیست منات و تمام واردات را بحاجی حسن آقا و پدرش میدهد. از آن بعد از طرف سنارت اقدامات لازمه شده مستاجرهم اقرار و عین اجیرنامه را ابراز داد و میانه او و حاجی حسن آقا بهم خورده حاجی حسن آقا باستارا رفته خواست بيك نفر روسی دیگر که مترجم قونسلمگری روس است اجاره دهد. جناب مفتح الدوله توسط وزارت خارجه روس و روزنامهجات سخت جلوگیری کرد و عدم وکالت حاجی حسن آقارا اعلام نمود و بطهران هم اطلاعات لازمه داد و اصرار کرد که فوراً خود شرکت عمومی کمی را انتخاب نموده بفرستد و راهرا تصرف نماید و یا باجاره دهد حاجی حسن آقا باز متقاعد نشده در تک و پوست و جایه خودش باستارا رفته سوار جمع نماید و راهرا

بزور تصرف کند، بنابراین فرمانی ابراز داده است که راه آستارا متعلق به پدر اوست و رسماً معلوم کردند این فرمان هم جعلی است

این مأمور وطن خواه موفق شد که این يك مسئله خیلی اهم را بهم زند و راه شوشه را از دست خارجه و حاجی حسن آقا که شصت کرده بودند استرداد بشرکت عمومی نماید. جنابالی بهر میدانید که این فقره چه قدر در ایران جلو شرکعت و کپانی را گرفته و در حقیقت این مسئله مانع شد که بانک ملی تشکیل نشود و مردم اطمینان پیدا نکرده پول بدهند

### جبل المتین

جناب مفتح الدوله را باین خدمت بسیار ذی قیمت بوطن عزیز خود تبریک میگوایم و توفیقات ایشان را از خداوند مسئلت می نمایم از همین جزئیات خیالات مأمورین روس در ایران بخوبی ظاهر میگردد و ما تمام نمایندگان ایران را در خارجه متنبه می نمایم که در تعیین قونسلات و ویس قونسلات شرقی که از رعایای دول اجنبیه اختیار می نمایند باید کمال مراقبت و دقت را به نمایند و در همین واقعه دور کنند که يك امضای جعلی بيك قونسل افتخاری چه قدر مورت خساره ملت و مضر باستقلال وطن عزیز تواند شد نمایندگان خارجه در تعیین قونسل و ویس قونسلهای شرقی هرگاه از نجیا و شرقای ایرانی معین نمایند این گونه مناسد استقلال ویران کن پیدا نخواهد شد

بالجمله امیدواریم وزارت جلیله خارجه و شرکای شرکت عمومی نوعی اقدام فرمایند که راه آستارا دوباره بدست دشمنان دین و دولت نیوفتد و ما از صمیم قلب تشکر از جناب مفتح الدوله می نمایم که الحق خدمتی بزرگ بملت و دولت خود نموده اند

### اخبارات خارجه

طنینانی آب در (ستناکاتایرنا) قرب مونتری تمام عسارتی را که بر ساحل بود غرق نمود - چون سیلاب نصف شب آمده هزاران نفوس را در حالت خواب غرق ساخت - تاکنون (۴۰۰) جسد مردگان دستیاب گردیده است از خبر تازه چنان معلوم شده که سیلاب شالی

( میکسیکو ) بسیار شدید بود و از موتیری زیاد بوده و ( ۱۲۰۰ ) هلاک و هزاران بی خانمان شده اند - نقصان مالی ۳۰ میلیون دار بقرم آمده معلوم گردیده در سیلاب ( میکسیکو ) ( ۱۴۰۰ ) هلاک در موتیری طغیان رفته رفته کم و فلاً خوبی بنظر نمی آید - ولی خوف قحط دامنگیر است - چه عبور و مرور راه آهن مسدود شده و در اغلب جاها سبیل خطوط آن را از جا کنده

بنازگی از ( میکسیکو ) خبر رسیده که عده اموات سیلاب تا هزار معلوم شده است  
 ( مخراروتر ) از ( ملیدا ) خبر میدهد که قشون ( اسپانیا ) با کامیابی تمام پیشرفت نموده ، خرمن و مزارع اعراب را سوزانده ، بعضی از طایفه ( رف ) تسلیم شده ، با ۳ دسته قشون و ( ۷ ) توپ خانه در تدارک حمله بقلمه ( رف ) هستند و انتظام زیاد دیده شده ، بسیاری از قبائل در قلمه پناه گرفته اند ( لارد کچتر ) بمسده ( فیلد مارشل ) انگلستان مقرر گردید

( مخراروتر ) از ( ملبورن ) خبر میدهد که یکی از اهالی آستریا ( لیندسی ) نام که مزدوران را فراهم نموده هر جا می رود ، در ( نیوکاسل ) ی آلمان او و جمیع همراهانش که در کشتی بودند مقتول شده ( سوای ۲ نفر ) و کشتی را سوخته اند ، چه جبراً یکی از زنان بزرگ طایفه را به کشتی برده بود ( امپراطور آلمان بوطن خودشان رحمت نمودند ( لفتنت جنرل سرلیسل رندل ) بجای ( لارد کچتر ) مقرر شد

( تلگرافی از ( کرشچین سند ) رسیده ظاهراً میدارد که ( دوکتور هکوک ) بسمت ( نیویارک ) رهسپار شد

( لارد روزبری ) از صدارت ( لیبیل بنگ ) متظاف داد

( در ( ملیدا ) از اینککه مزارع و دهات اعراب را سوزانیده نتیجه نیک بخشیده یعنی بسیاری قبائل ( قبذانی ) تسلیم شده اند

( تلگرافی از ( واشنگتن ) رسیده که ( کاندل پیری ) در اداره بحری و خانه خود تلگرافی نموده و رسماً آسگاه کرده است که او در قطب شمال علم حیات ابریک را نصیب نموده و از طرفی زمین مسوری

آنها را قبضه کرده است  
 ( کپتان اسکات ) در اگست سنه ۱۹۱۰ بحالت قطب جنوب رهسپار خواهد شد  
 ( درسان قشون ( آستریا ) یکدفعه دویت اسپ از دوشنائی ( سرچ لاین ) رم کرده تا مسافت زیادی دویده ، و حین دوندگی از بالای سباهانی که خوابیده بودند عبور ( ۵۰ ) نفر را مجروح کردند ، و ۱۲ نفر مجروحین هلاک و بای ۳۵ اسپ شکسته و آنها را فوری کشتند

( کالسکه راه آهن که بعد از ختم سان قشون ( آستریا ) رحمت می کرد در مقام ( چم ) واقع در ( باوریا ) تا دیرباز نگاهداشته بودند که کسی نارنجک در راه آهن نه گذارده باشد

( تلگراف ( کارلسروه ) ظاهر میدارد که امپراطور آلمان برای مشاهده سان قشون وارد شده ، در جواب خطابه تبریک ورود اظهار داشتند که قشون آلمان کوه آهنینی است که بشالوده صلح بروی او نهاده شده ، ( ۱۲۰۰۰۰ ) سرباز و ( ۲۹۱۰۰ ) اسپ و ( ۵۴۰ ) توپ در این سان بوده است ، سان قشونی بدین عظمت تاکنون دیده نشده بود ( بلون ) جنکی با تلگراف بیسیم نیز سعی است مخبره نماید ، درین سان قشونی ( مستروستن چرجیل ) و ( سربروس هیلتن ) مهمان امپراطور بودند

( جاشو های جبراز ( ررزپوات ) خبر می دهند که ( کاندل پیری ) در قطب شمال رسیده است ( در عرض داشت ( کپتان اسکات ) بابت وجه اعانه مسارت قطب جنوب خاطر خواه همراهی شده و سریعاً تمام وجه فراهم می آید و امید است ( ۴۰۰۰۰ ) لیرا که خواسته عاجلاً جمع شود ، ( منتت شکتین ) بهیت وی نخواهد بود

( در ( برلن ) رسانه اعلان یافته که ( هرگو سلینگ ) افسر تجارقی و قوسل جنرل آلمان مقیم کلکته شروع به سیاحت در مراکز تجارقی آلمان نموده تا بحین تجارقی و کارخانه جات آلمان را درباره تجارت هند تعلیمات لازمه دهد از این سیاحت معلوم می شود که تجارت آلمان در هند از این و به خیلی ترقی تواند کرد

( امید است محصول زراعات اروپا امساله درجه جا نتیجه نیک ظاهر داود بماند ، به سبب زیادتی باران

در انگلستان امید بهبودی محمول نمی رود، حاصل آینده که هنوز درو شده خوف است از کثرت باران خراب شود

در سان قشون جنکی آلمان در یکی از بلونها نعلان رسید و بر شاخهای درختی آویخته حریف مقابل که مشغول بجنگ مصنوعی بود آنرا گرفتار نمود

از شکست وزارت (رالی) و مداخلت (فوج لیگ) حالت (یونان) ابر است، عجزت ایسکه وایسره و شاهزادگانهم از (یونان) بیرون رفته اند، رئیس اوزرای سابق (مسیونر پوتوکیس) محرم استعمال مردم برخلاف (ایگ) ملرم شده

حجر رسیده که وی اظهار داشته هرگز متناً با وزارت حدیده در خصوص انتظام قشون رأی نخواهد داد

میگویند بقول (مسیونر پوتوکیس) پادشاه دست بردار از سلطنت می خواهد بشود در صورتیکه وایسره وی برای همیشه از سرداری کناره کش باشد

در (فیض) قوسلهای دول اروپا رسامه شکایت ارطلمهائی که به قیدیان شده، سلطان عبدالحمید مراکو جواب داده که من خیلی ترحم کرده ام که به شکست دست و پای آنها اکتفا نمودم و از قتل شان دست بردار شدم، علاوه بر این اهالی (مراکو) مهذب نیستند از این رو بعنوان سزا دادم که در اروپا متداول نیست هر صورت چنین صلح در آتی نخواهد شد و دیگر هم خیال سر دادن آنها را ندارد

در ندر (بتیل) اهالی به ملاقات (کاندر پیری) رفته کاندر مذکور اظهار داشت که من شخص اولم که وارد قطب شمال شدم و میتوانم اثبات قول خود را نمایم و عملاً حالات را منصلاً نمیگویم (دوکر کوك) وارد قطب شمال نشده و ثبوت عدم رسیدنش را دارم، اراده من اینست که قبل از آنکه حالت تفصیلی (دوکر کوك) ظاهر شود من بیانات تفصیلی خود را ظاهر نکم، وبعد از بیان من حاضرین فن انفصال خواهند نمود

در سان قشون آلمان بارش شدیدی آمد، دیروز مجدد جنگ مصنوعی بلون شروع شد نتیجه عمده حاصل گشت

رئیس جمهوری (مستزقت) ضمن نطق خود در انجمن تجارت امریکا اظهار داشته که قبل از اختتام دوره حکومت او انتظام عمده در مسکوکات و بنگ

بموجب تلگراف هنگکنگ فرمانفرمای جدید (کفتان) تدارکات سخت برای توك توك می نماید شخصاً ملاحظه (پان) ها را می کند و افسران عادی به افیون را گرفتار و عزل می نماید

خلاصه اخبارات ایران

چهره نامی نویسد دولت ایران در عمل دخانیات و مشروبات گویا حقوقی معین نموده یا به نماید و ازین راه مبلنی هنگفت حاصل خواهد نمود

برای قیام محمد علی میرزا در اودیسسه (روسیه) که ساحل دریای سیاه است خانه که تبارت از ۲۰ اوداق و یک بانچه است و مال یکذر و سکیل محکمه میباشد حکومت معین نموده ولی مسلمانان آنجا از این مهان بدقدم نقالات شرانگیز میزنند

سلطان پس از دادن سیصد و هشتاد و پنج هزار تومان به حراست اسدالله خان و سواراش از خاک ایران خارج شده اروپا اقامت خواهد گزید

عبدالدوله سردار قشون استبداد در آذربایجان یکصد هزار تومان تماماً بدولت پرداخته و باز زیر استطاق و محاکمه بر او جاری است

ناصرالملک صغه بطریق پترسبرگ و همسار بوده عنقریب وارد خاک ایران خواهد شد

والا حضرت محمد حسن میرزا که ده ساله و برادر اعلیحضرت سلطان احمد شاه میباشد بواپسهدی سلطنت منصوب گردیدند

محمد علی میرزا با دو نفر سوار انگلیس و سواران روس و چند نفر از مستبدین که همراهش از سفارتخانه بیرون آمده بودند وارد اترلی شدند جناب دریا بیگی هم که برای انتظام لارستان مأمور شده بودند عملاً در انتظام عباسی و نواح آن که خیلی مفشوش بود مشغول اند و حرکت ایشان بطرف لار موقوف گردید

شهر شیراز کم کم دارد امن می شود و حکومت هم همین دو روزه وارد خواهد گردید، از قرار مجموع قوام الملک حایله بطهران طلب شده و ابواب جمعهای او را نیز گرفته اند

ناصرالدوله پسر کوچک قوام تدارک رفتن بخارجیه را می بیند، دولت قیام او را دوغارس صلاح نمی داند و خودش هم از قیام فارس خوف دارد و همین

کرمان هم کم کم دارد. امن می شود انگلیسها بهانه جوئی مینمایند که باید کسانیکه به (مسترویت) توهین نموده سزا بایند و گرفتار شوند درین وقت دولت را میخواهند دوجار مشکلات دارند دانایان جداً سعی اند که ابواب بهانه خارجه را سد نمایند و اقدامات جدی در امنیت امتدادی می نمایند اگر دایه گان مهربان تر از مادر بگذارند

دولت جدید ایران حکم نموده که در هر ریاست و حکومت بمقدار ضرورت حفظ امنیت اردو تشکیل داده و قشون ساختوی با جمیع لوازم آن آماده دارند و همین که مجلس ملی تشکیل یافت نورا در اصلاح قشون و مایه اقدامات جدی خواهد شد و صد هزار قشون بطرز اروپا تدارک خواهند دید که همواره تحت السلاح و برای حرکت هر نقطه که لزوم پیدا نماید آماده و مهیا باشند و پنج اردو در پنج نقطه اهم تشکیل خواهند داد. هنوز معلوم نیست که معلم از کدام دولت استقرض خواهد شد ولی قطعاً از روس و انگلیس نخواهند گرفت چه تمام ملت به نافرمانی یابیر مینویسد. امنیت حتی در زوایای ایران حکم فرما، طرق تجارتی از هر طرف گشاده و از دزدان صاف گردیده است، حکومت جدید ایران با کمال آرامی دارد بر انتظامات ملکی متمکن میگردد و عموم طبقات ملت ازین دولت و پیشرفتهای او منتهای خورسندی را دارند

پارلمان مغنون است بعد از نیمه رمضان افتتاح شود در تریه و تدارک آن سرگرم اند وکلای ملی از غالب بلاد رسیده فقط از چند شهرهای جنوب باقی است که آنهم بزودی خواهند رسید. برخی چنان تصور میکنند که تشکیل مجلس بر طبق قانون جدید انتخابات دولت را دوجار مشکلات تواند نمود ولی آراکین دولت را عقیده این است که با منتهای لیانت و قابلیت کارها را از پیش توانند برد و هیچگونه دقتی پیش نخواهد آمد

در مسئله قیام قشون روس در تبریز و قزوین هیجان و بی صبری عظیمی در اهالی طهران انداخته خاصه وقتی که می بینند بدون ضرورت قشون روسیه نده مرتکب حرکات وحشیانه گردیده دارند تنور هیجان عامه را آتش میدهند، امروز احدی نیست حتی نمایندگان روس که بتوانند بگویند مال و جان

خارجه در معرض تلف و خوف است و این امنیت مالی و جانی خارجه نه تنها در شمال و جنوب و مرکز دیده می شود بلکه در هر نقطه و گوشه ایران همین امنیت مالی و جانی برای خارجه تصدیق شده است، راه بین طهران و انزلی و ذرق شمال و جنوب ~~که~~ در هیچ عهد پاک از دزدان دیده نمی شد درین دوره بکلی صاف شده و عجب تر آنکه دزدان خود نکاهبانی اختیار کرده اند

جناب حاجی سیاح که از قدمی وطن خواهان و فضلی بنام و برادر آقا میرزا جعفر خان معلم مدرسه السنه شرقیه مسکو اند معلم شاهنشاه معلوم همین گردید و معلم روسی شان جزف روسیه روانه شد محمدعلی بخمال اینکه شاید بتواند املاک خود را برای بهانه جوئی به سنگ روس واگذار نماید خویشین را چهارصد هزار ایره، قروض جلوه داد دولت جدید املاک او را قبضه و قروض و برامم ذمه گرفته است حکومت جدید برای رفع شبهه از عوام، بوم اندام شیخ فضل الله تلگراف بقصر را بجانی قرار داده که هر کس بخواند در ماده قتل او از حضرات آیات الله برش نماید

بعد از ورود جناب مخبرالسلطنه به تبریز اشخاصی که در پنجه عقوبت روسیان دوجار بوده آزاد شدند از یازدهم الی ۱۸ شعبان که مصادف با یوم ولادت حضرت بنی الله فی الارضین و افتتاح دوره اولیه مجلس بود وکلا در مجلس جمع شده و جشن بسیار با شکوهی گرفتند

۲۲ شعبان والده سلطان احمد شاه برای وداع فرزند وارد در عمارت سلطنتی گردید از بدو ورود تاجین حرکت حضرت اشرف عضدالملک نایب السلطنه حضور داشتند (ازین خبر چنان مستفاد می شود که والده شاه بمیت بدر وشوهر از ایران خارج گردیده اند) - تلگرافات روتر راجع بایران - ( ۷ رمضان - ۲۳ سپتمبر )

یکی از کبابیهای اینالیا مدت ده سال امتیاز گرفته که از جلایا تا تبریز (موتکار) برای حمله اقبال و عبور و مرور مسافرین راه بندازد و عنقریب هم شروع بکار خواهد نمود

حبل المتین

گویا این خبر از پتسبرگ اشاعت یافته عاری از



حجت باطن و این اخبارات کاذبه را ازین جهت  
اشاعت میدهند که قدری برده مظلومیت بروی  
خود انداخته خویش را در قیام قشون خود اندکی  
ذی حق جلوه دهند ، رموز دانان سیاست بخوبی  
ازین نکات واقف اند که چرا هر روز يك گونه  
اکاذیب درباره ایران اشاعت میدهند تکذیب این  
خبر را دلیلی روشن تر از آن نیست ~~که~~ دادن  
امتیاز بخارجه حق مجلس است و بس ، در دوره  
اولیه که مجلس چند امتیازی نداده بود این دوره  
که هنوز مجلس منعقد نگردیده از کجا این امتیاز  
داده شده ممکن است گنگوئی شده باشد

( ۹ رمضان - ۲۵ سبتمبر )

سیواچ باکلوپسکی (کازل) سیر تازه روس  
وارد طهران گردید

### حبل المتین

(مسئول باکلوپسکی) تا جائیکه شهرت دارد در امر  
مأموریت چیزیکه از ایشان یادگار مانده ایست که  
خوش طبع و منصف مراجع است و طبعا صلح خواهی  
را بر برحاش جوئی ترجیح میدهد. عقیده جمعی این  
است که در مأموریت ایشان نفرتی که از روس در  
قلوب اهالی ایران جای گرفته مرتفع گردد و خیل  
بر روابط این دو ملت بیفزاید

### امیت لارستان

حضرت مستطاب سید عبدالحسین لاری سلمه الله  
تعالی پس از آنیکه تلگراف حضرات آیات الله نجف  
اشرف مایشان رسید مصمم حرکت بحجاب عتبات  
عالیات گردیدند و کلیه تصورات را در حق خود  
عاطل و باطل داشتند

آنچه به تحقیق پیوسته تمام فرامان و احکامیکه  
این طرف از حاب حضرت مستطاب حجت الاسلام  
لاری اشاعت داده اند جعل و برای بدنام نمودن  
ایشان بوده است و هیچ دلیلی بهتر از تملیقه شخص  
حضرت آقا نیست که بدست خط خودشان این هفته  
باداره رسیده ، دانایان رموز بخوبی میدانند که این  
اکاذیب جعل شده نصرالدوله (که بواسطه همدستان  
خود از اوزی و گراشی و خوری و بستکی) بوده  
و تلگرافاتی هم که باسلامبول نموده اند مثل آن  
اکاذیبی است که در خود ایران اشاعت داده اند (که  
حضرت حجت الاسلام دعوی سلطنت دارند)

ما معتزیم که حضرت سید آشنا بیسیاسیات عصر

نیست و از شعار بلتیک که کذب باشد بی بهره اند  
و تصور کذب گوئی و کذب نویسی را در حق  
ایشان بهتان عظیم میدانیم و هر سگس دعوی نهد  
ایشان بدروغ سخن گفته یا نوشته اند او را کذاب  
میگوئیم چه سید متها درجه بی کله و انتا باحدی  
ندارد که دروغ یا الیاذ بالله چاپلوسی کند ، غرض  
از این بیانات بیشتر این است که وزارت جنگ و  
وزارت داخله بدانند که غالب اشاعات در حق حضرت  
آقا کذب و مبنی بر بلتیک دشمنان ایشان و یا خرج  
تراشی برای دولت است

### عین دستخط حضرت حجة الاسلام لاری

چندی است زیارت مراسلات نموده ام و ایک  
دعا گو بوده ام همین قدر اجمالا بعد از آن  
زحمات و مجاهدات بعد از تأمین کامل که به اهالی  
لارستان دادند نصرالدوله تاخت بر ایشان نمود  
بجاء کرور اتلاف مال اهالی نموده به همراهی اوزی  
و خوری و بستکی و گراشی ، داعی چون حب  
الاستدعای اهالی لار رجوع بلار نمودم محض رعایت  
فارت زدگان تلاحله اینککه تاجر در مقام تعظیم  
بری آم و شاید قصاص و تقصاص شود لذا همگی  
متفق شده از هر نقطه راپورت بهم داده که افتراء  
بزنند به داعی و اتباع داعی ، از برای آنکه یاپال  
کنند حقوق مظلومین را . غافل از آنکه دست عیبی  
اللی درکار است ، علاوه این روزها به اشاره  
نصرالدوله جنب لار را محاصره نموده بخود دزدی  
که همگی بای سرقت و فارت مال التجاره اهل لار  
برآمده چنانکه دریک هفته سه قافله عرض راه عباسی  
را زده قریب دویست هزار تومان از قاش و غیره  
برده بعلاوه گراشی ها جمعی از مردان لاری را  
گشته و جمعی دیگر را اسیری بقلمه حراش برده  
حبس نموده بانواع زحمات شکنجه داشته لازم بود  
که مراتب عرض شود شاید از نسکی ذات در  
حبل المتین ثبت و بسرکار سردار اسعد و سپه دار و  
سایرین که صلاح بدانند اظهار که تحقیق مطالب  
نموده حقوق اهل لار یاپال نشود الشاء الله بلکه  
بزودی تقاص و قصاص خصوص از بی قوام و اهل  
گراش شود که تا این دو شجره خبیثه برپا باشند محال  
است آسودگی اهل فارس و گرمسیر - زیاده چه زحمت  
دهد - والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

( محل مهر مبارک )

(جل نشین کلکتہ)

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HACUL MATIN OFFICE  
F MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

(کلیہ امور ادارہ نا)

مدیر کل مؤیدالاسلام است

# المبتدیان

(قیمت اشتراک)

(سالاہ تثن ماہہ)

(ہند و برہہ)

(۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

جناب مستطاب فرزند ناکام وطن آقا میرزا حیرانگیر جان مدیر صور اصرافیل -  
(اسکے اللہ فی عرفات اجنان)



اسیر بچہ عدوان و شہید راہ حریب بکہ تاز میدان جوان مردی صاحب الحزم والاسقلال . . . . .  
این وطن خواہ فرخندہ حوای بود تا منہای حرارت و عبرت و کمال درایب و درست رفتاری  
اقداماتش در طریق مشروطیت نہ مبنی بر حب جاہ و نہ طالب شہرت ، بلکہ طبعاً ہوا دار آزادی و قلاً  
مروج مشروطیت بود . نظر بحرارت صمیمی ہر سحنی میگفت و قدمی میفرمود یہ حرارت حاصی  
در مردم پیدا می کرد

مستبدین قبل از انہدام مجلس مقدس چند بوبت سماعی گرفتاری وی شدہ و بیرنگہای عمیق  
برای سزای وی ریختند ولی در ہر نوبت نجات یافت ، زمان کہ مجلس مقدس را بتوپ حصہ مردم ساختند  
این عبرت مندیکانہ مانند پرواہ دورشمع مجلس میسوخت و استقامت و ثبات بخرج میداد و مردم را تحریص  
و تشویق می نمود ، تا اینکه گرفتار چنگ قزاقان و سربازان آمد ، در آسمانہم دو کوچہ و بازار مردم  
را توجیب باستقامت و تا آنکہ بہان حاش بہ پادشاہ برد

سختانیکہ بین او و محمد علی رد و بدل شد و کلائیکہ در سردار ازو شنیدہ آمد و در جمیع حرانہ  
اروپا طبع و نشر گردید خیلی بر قدر و نیت این جوان افزود عاقبت شہیدش ساختہ قصہ قصہ کردہ  
بجوہر سکاش دادند کہ آری ازین گویہ عبرت مندان باقی نہاند ، غالب ازین کہ آثار آنها تا قیامت در قیوب  
ملت باقی است

مکتوب طهران

( ۱۴ شعبان )

( استنطاق آقا میرزا سید حسن در عدلیه )

در یومیه جیل‌المتن شماره ( ۶ ) مقاله بعنوان ( اذا فسد العالم فسد العالم ) بقلم يك از مجتهدزادگان نامی اشاعی یافت ، آقا میرزا سید حسن نظر به کثرت مشغله در آن روز یا اطمینان به نکارنده نگرای نه نمود ، در آن مقاله ( که از عنوانش ظاهراً است ) برده از روی افکار و افعال بعضی ملایمیان مستبد برداشته و بقول بهانه جویان بعضی کلمات وجهه های تأویل بردارم داشت ( چون فعلاً غرض بیان واقعه است بحث در عین مقاله نمیکنیم ) اشاعه این شماره همان ایام صلب شیخ بوری شد ، مستبدین از علماء را موقی نیکو بدست آمده بخجالات خیلی دور و دراز افتادند ، چنانچه شنیدم که مستبدین خواهم رسانید

علمای مشروطه طلب را هم ازین رو خوف دامنگیر شد که مبدا بهانه فتنه بدست مستبدین افتد ، این بود که درین موضوع خواه مخواه با آنها متحد شده بوزارت معارف و داخله و عدلیه و حکومت محل و غیره عرض شکوی نمودند

بدواً شماره شش یومیه را که اشاعه یافته بود بحکم وزیر معارف امر به توقیف نموده و هر یک از بلاد هم تلگرافاً منع از عدم اشاعه آن شماره صادر گردید

جماعتی هم باشد ارات سری از خارج و داخل طهران باسم تأدب جرائد و جلوگیری از آنها برخاسته کمیته دیرینه خود را از جیل‌المتن خواسته گفتند « زهر چشم گرفتن از ارباب جراید درین اول وهله لازم است »

بالاخره روز ۲۱ رجب بدواً آقا میرزا سید حسن جلب و پس از گفتگوی مختصر مراجعت نمود ، محرکین طوطه دیگر نموده رنگی مخصوص بآب زدند خاصه چند نفر مستبدین مشروطه نما که سالهاست دلی برخون از جیل‌المتن داشته و بقول آنها ( همه آتش ما از گور جیل‌المتن برخاسته ) سخت تحریک نموده تا از طرف اصناف و غیره هم هیجانی ظاهر شده ابراز درد دین نموده عرض شکوی از آن مقاله بوزارت عدلیه و معارف و مجلس طلب و غیره و غیره تقدیم و جداً توقیف میرزا

با اینکه مجاهدین شیور و رؤسای احرار ( که مقام بلند و مجامعات عدیده آقا میرزا سید حسن را در راه وطن اسلامی دانسته و از حقیقت امر بخوبی واقف بوده و خیال محرکین را نیکو میدانستند ) برآشته هیجانی سری نموده و مستند همه گونه اقدامات شدند مگر ارباب حل و عقد و عقلاهی وطن خواه دور اندیش حتی خود آقا میرزا سید حسن بدرستی آنها را فربانده آرام ساختند که این موقع اختلاف نیست ، مستبدین طالب آشوب و خارجه منتظر بهانه اند ، حق این است اگر اندکی احرار قافیه را باخته بودند ممکن بود اختلاف عظیم پیش آمده آنچه را که مستبدین خواهان بودند باین وسیله بچنگ آرند این بود که رفع عائله را درین صلاح دیدند که آقا میرزا سید حسن توقیف ماند و در عدلیه برای استنطاق حاضر شود

وزیر داخله و وزیر عدلیه هم در این وقعه منتهای دانائی را بخرج داده خیلی جدیت نمودند ، اول بواسطه آنکه نظم بلاد و امنیت داخله و آرامی و سکون اهالی را مشغول بوده ، دومی از خوف اینکه نگویید در استنطاق و جزای مستبدین آن گویه مستندی ظاهر داشت و در ماده مشروطیت تکاهل می‌ورزد و در حقیقت حفظ مقام منیع خود را درین موقع نازک نیکو و مال اندیشانه نمودند

عاقبت سه مجلس استنطاق در عدلیه منعقد شد ، مجلس اول آقا میرزا سید حسن خود را مسئول قرار نداد ، مجلس دوم لایحه از نکارنده مقاله پیش شد که تشریح سخنان خود را نموده بود ( ولی گفته شد که چون این لایحه تشریحیه بلیکی است در عدلیه قرائتش مناسب نیست ) مجلس سوم شخص نکارنده را از آقا میرزا سید حسن خواستند و حال آنکه مخفی بود ، ازین رو عدلیه ایشارا مسئول قرار داده به ۲۳ ماه حبس محترمانه و ۲۳ ماه توقیف یومیه و دو بیست و سجا توبان جزای نقدی محکوم شدند

نکارنده در هر سه مجلس استنطاق حاضر بود هماره آقا میرزا سید حسن را بشاش میدید تا وقتی که حکم عدلیه صادر گردید و چنین فرمود

« من نظر بسوابق خدمات خود منتظر پیش از اینها بودم ، و از بدو امر منشاء و مقصود محرکین را میدانستم ، خیلی خوش وقم از اینکه سزای من آتش فتنه عظیمی را خوابانید ، و موقتاً آینه بروی دلبهای ملتعبده باشد ، خداوا شکر که ننگ نماند »

سوگند که درین وقعه مرا قصوری جز خدمات ملیه و اسلام برستی نبوده ، این شکوفه تازه از سرچشمه کبره آب خوردار است »

### جبل‌المتین

این بود عین مکتوب طهران ، و نادر باملاعاتیکه درین مدت تلگرافاً و مکتوباً از اشخاص موثق با رسیده میتوانم حرثاً این مکتوب را تصدیق بنامیم و برادر خود آقا میرزا سید حس که مرای دست ما و در مبد شریعت تربیت یافته و از پستان اسلامیت شیر پوشیده و آیت‌الله زاده است نیکو می شناسیم و ازین رو میتوانم گفت علت العمل این واقعه زحمات اوس در باند بودن بپرق ندای اسلامی ، ما کتر کسی را در طهران سراغ داریم که در جاده وض خواهی باندازه او خدمت ماسلام و وطن اسلامی خود نموده باشد ، پیش از آنیکه وطن خواهان امروزی اسی از حب وطن بگوششان آشنا شود این جوان تیور محرم وطن خواهی و عدالت پروری بهایت میرزا علی اصغر خان امیرالسلطان هفت ماه در مبارک آباد حبس نظر بود و عاقبتش از طهران و ایران طرد و تبعید نمودند درین دوره هم خدمت مالی و حانی او بر احدی پوشیده نیست و دهمین وقعه تاریخی هم خدمت بزرگ بهام اسلامیت و اساییت و وطن عزیز ما خواهد نمود ،

و ما زایدالوصف خوش و ققیم که از مجاهدین تیور و رؤسای ملی و هیئت ( ژون برساندن ) درین موقع نازک ناشکیبائی دیده شد و به مقتضای وقت سکوت اختیار نمودند چه آن روز دور نیست که یک زدن آهن‌گر تلافی از صد زدن زرگر نماید . الحق درین سکون و آرامی منت بر این پیر خادم وطن نهاده اند

و نیز متشکریم از کسانی که سعی و جاهد در این امر بودند اگر چه یکی بدوستی وطن و دیگری بدشمنی آن بوده ولی نتیجه اش برای وطن عزیز مایک سان خیر خواهد بخشید

همین قسم از وزارت داخله که پای فتردند درین وقعه و از وزارت عدلیه که کمال همت را نموده غایت امتنان را داریم

و پیش از همه از برخی ارباب قلم که بدون ضرورت قاضی محکمه یا شاهد نظاییده گردیده از خوف جان یا بخوش آمد این و آن عبارات آن مقاله را کفر و کزریات تأویل کرده و بخینال خود فتوی قتل میرزا سید حسن را داده اند تشکر می نمایم ، چه میدانم آن محاکمه را ادا نموده اند

تاچندی آرام خواهند گرفت ، و تاوقتی که نخواهند دوباره بهانه بدست آرند دولت قوتی حاصل کرده خواهد بود که بدون دهشت و خوف بتواند این محرکین آشوب را پیش پای خود به نشاند ، من از پیش آمد این واقعه ابداً رنجیده نیستم ، چرا که تاریخ نشان میدهد در اقوامیکه تازه بیدار شده و هنوز آن جنبه ( که بتوانند خیرخواهان خود را از گزند روزگار محفوظ دارند ) در آنها پیدا شده چه اشخاص بزرگ ( که امروزه نامشان در تاریخ دنیا باعزاز و احترام یاد می شود ) دوجز این گونه مصائب گردیده‌اند ، چه قدرها را بدار زده ، چه بسیار را بحبس انداخته ، یکی را باسم شورش و انداختن انقلاب ، دیگر را باسم بد دیانتی و خلاف مذهب ، سومی را بنام خیانت ( که من در جنب آنها هیچ قدر و منزلت ندارم ) صلب نموده آتش زده و حبس کرده‌اند ، باین مناسب صله خدمات و حافظانی‌های من در راه وطن محبوبم اعدام بود نه حبس و جزای نندی . و از محرکین و ساعیان قضیه هم مکرر نیستم ، چه علت العمل این واقعات را برای خود حضرت مؤیدالاسلام میدام که مرا بحب و ص مقدس اسلامی تربیت نموده

این است که برای رفع شبهه از عالمان با حسی معصومانه میگویم ، گناه من فقط وطن خواهی و اسلام پرستی بوده است ، تقرب که برده از روی کارها برداشته شود و شعبده نازیهای کنونی آشکار گردد ، زمان تاریخ بزرگترین شاهد عصمت من خواهد بود ، چنان تصور میکنم که توقیف بومیه و حبس من در عوام اسلامیت و ایرانیت بیشتر نتیجه بخشد سبب خدمات سابقه ام ، اگر چه این واقعه امروره واداران عالم اسلامیت و ارباب را بهی عظیم تاری ساخته ، ولی می بینم که بزودی این بهت مرتفع و دست انتقام قهاریت از آستین بیرون آمده هرکس بد آنچه سزاوار است برسد

برخی معاصرین که لطیفه ( اگر منی موت الکراما ) آنها را خوشدل داشته درین موضوع راهی بخطا پیورده‌اند ، چه جبل‌المتین هماره متین بوده و تاوقتی که نام اسلامیت و ایرانیت باقی است نیز متین خواهد بود جبل‌المتین چراغ ایزد افروخته است ، یقین بدانند این واقعات بر مقانت او خواهد افزود »

سبب این بنده را چنین امر نمودند ، « هرینکه صیقت واقع را بدون حس و وزاید بحضور مبارک حضرت زیدالاسلام عرض ، دانستید از طرف من بنویسید که تربیت بزرگ حبه الاسلام والد و بختونی حضرت عالی

معدنه و مسلک خط رشوه و مشرب جز تذبذب نیست، از طرف دیگر خوف و رعی که ناشی از (الخائن حائف) است دامنگیر شان بوده ناچیز دست و پا را گم کرده محای اینک زبرخمه را ملوث نمایند اشتباهاً صنجات اخبار خود را کرده اند

و همچنین برادر با حزم و استقلال خود آقا میرزا سید حس را هم ازین واقعه غیر مترقبه محذور داشته نشارت میدهم که پس از کشف ماحرا بزرگترین خدمات ایشان بوطن اسلامی همین وقعه نشار خواهد آمد که فعلاً ناگوار می نماید. و لا حول و لا قوت الا بالله العلی العظیم

و ایای دولت بدقت ملاحظه فرمایند... تنازکی بعضی ما برای پیشرفت مقاصد خودشان تعطیلات فرنگ بول زیاد خرج کرده و پاره امتحانات برصد اولیای امور حالیه نوشته می خواهند دراز ر خارجه چنین وانمود نمایند که ایرانی ها استعداد حفظ مشروطه را ندارند، آنچه آشکاراست ظل السلطان و سالارالدوله در خارجه مشغول هستند. آ که ظل السلطان است یک نفر روز نامه نویس و دو ساله اجیر کرده و همراه برده است و مشارایه حالا در طهران و بخرج ظل السلطان کار می کند. آ که سالارالدوله است در پاریس با کمال پریشانی که درد باز بوسیده چند نفر از این طرف و آن طرف بولی پیدا کرده و بتوسط (دکتران) نام (گاهی تبعه عثمانی و گاهی تبعه ایران که شب و روز در خدمت اوست) باسم شامراد کی ایران مشغول قرض و اقتضاج کاری و خرج بسیار روزنامه چی ها است و برادر این دکتران که (آرشق) خان نام است و در طهران دست راست امیر بهادر و مجمل السلطان بود با هم شارلاتانی که هست (با وجود اینکه او را همه درست می شناسند) با ادارات راه پیدا کرده و اطلاعات به برادر خود می دهد. و باین وسیله متصل پاره اراچین و اطلاعات صحیح و غیر صحیح را جمع کرده برای سالارالدوله می فرستد، و این دو برادر برای جلب منافع شخصی و پیشرفت مقاصد امیر بهادر می خواهند سالارالدوله را به برستان و لرستان بفرستند که در آنجا اسباب شورش ملت را فراهم بیاورد و این شاهزاده را بسلطنت و نیابت سلطنت تطبیع می نمایند و بچاره نمی فهمد که مقصود خدمت به محمد علی میرزا و امیر بهادر است حتی می خواهند املاک او را گرو گذاشته بولی در خارجه پیدا نمایند

اگرچه حرف روزنامه های که بول گرفته و پاره اراچین را می نویسند چندان محل اعتنا نیست و حراید بزرگ فرنگ مداح مشروطه و اولیای امور ایران هستند، ولی چرا باید در طهران ملاحظه اعمال گذشته این قبیل اشخاص را نکرده و با ادارات راه دهند، کاینکه تاکی باید اجزای ادارات مامعین نباشد، و هر کس صبح با شده بتواند بر اداره سر بنزد و در مجلس وزرا و یا در ادارات آنها حاضر بشود؟ علت ایسکه تمام اسرار ما در سارت خانها و خارجه فشاء میشود این است که وزارت خانهای ما تا حال حکم قهوه خانه داشته و هر کس می توانست بیاید و هر قدر می خواهد به بشنند، ضمناً اعضای ادارات را مانع ز کار شده و تمام اسرار و خیالات آنها را فهمیده و همه را بورت بدهد

اگر ما باشد حالا هم همین طور بشود و از گذشته عبرت بگیرند و هر کس را با ادارات راه دهند و اعضای ادارات کم کم با این قبیل اشخاص که هیچ کس ز اصل و تربیت آنها یکی از دول حلاع ندارد طرف خصوصیت و محبت در ادارات باشد و ای محال ما. فردا که مستبدین خان مند امیر بهادر و سالارالدوله وغیره که بفرنگ خواهند آمد اگر این قبیل منسو بین آنها را در طهران با ادارات راه دهند ملاحظه فرمائید چه هنگامه در فرنگ در انظار سرحه برپا خواهند کرد

چاره امور ایران نظم ثلثت است و نظم هم می شود مگر به ترتیب قشون و حمایت ملی بوزارت جنگ و داخله، سالی شش کروور تومان بخارج قشون خزانة دولت می دهد در صورتیکه می توان دو کروور آرا قناعت کرده و با چهار کروور آن عجباً مشتاد سرار در قشون مسلح و بقایه نکه داشت. مگر با بجاه هزار تومان سالی یک فوج صحیح هزار نفری محوی می شود نگاه داشت مگر در فرنگ بیشتر از این خرج می کنند؟ اول شرط حصول مقاصد ملی وجود عساکر صحیحه است، دیگر لازم است که مجلس مقدس ملی فوراً در قانون اساسی در ضمن ترتیب نیابت سلطنت ایران از شاهزاده ها کاینکه حق نیابت سلطنت را صلب نماید که هم پادشاه جوان بخت و دولت و ملت ایران از خدمات منظوره در آتیه محصون باشد و هم این شاهزاده ها وقت خود را در خرابی ملت صایع نکرده و کاملاً تکلیف خود را بدانند

## ملاقات حکمداران و تأثیر آن

( به احوال ایران و وظیفه دولت و ملت )

از تجدیدات عصر حاضر یکی هم ملاقات حکمداران دول مختلفه است با یکدیگر. درین چند سال اخیر اغلب حکمداران و رؤسای حکومت اروپا با یکدیگر ملاقات می کنند و این ملاقات هم یا محض برای زیارت و تأمین مضاشرت و مصامت ما بین خاندان سلطنت یعنی ملاقات عادی و یا برای مذاکره و تسویه بعض مسائل مهمه سیاسی اجرا میشود. و درین صورت اخیر هر قدر روزنامه های رسمی علی الرسم مینویسند که این ملاقات راجع به امور سیاسی و بولتیکی نیست اما واقعان سیاست اساس مسئله را می فهمند و اکثر ملاقات حکمداران درین دو سال گذشته همه نتایج مهمه سیاسی بخشیده است. در ملاقاتیکه دو سال پیش در ( ریوال ) ما بین امپراطور روس و انگلیس واقع آمد. مسئله رومانی و کرید عثمانی مطرح مذاکره شده و اتفاق دولتم دربارۀ ایران هم هانجا مقرر ~~گشت~~ گشت. حضور وزرای خارجه هم درین زیارتهای سیاسی بودن این ملاقاتها را تصدیق و اثبات می کنند. چنانکه در ملاقات اخیرۀ ما بین امپراطور روس و رئیس جمهور فرانسه در پتربورگ و امپراطور انگلیس در ( کووس ) و ( اسپدهد ) وزرای امور خارجه هر سه دولت هم حاضر بوده اند.

بنا بنوشته حراید این ملاقات مبنی بر سیاست نبوده... و نتیجه جز تاکید و تأیید ائتلاف ما بین سه دولت نخواهد بخشید.

این کلمه ائتلاف هم از مستحدثات عصر حاضر است و گویا اولین دفعه از طرف ( لورد سالسبوری ) صدر اعظم سابق انگلیس در تخریرات سیاسی استعمال شده است. امروز ائتلاف یکی از اشکال مناسبات

و روابط دول اروپا را می فهماند. یعنی برای حفظ ( موازنه دولیه ) اغلب مناسبات دول اروپا با یکدیگر یا در شکل ( اتفاق ) و یا در شکل ائتلاف است. و مقصود از موازنه دولیه تقسیم کردن و موازن داشتن قوای دول اروپا است برای تأمین و پایداری صلح عمومی که یکدولت بدون خطر اداختن استقلال خود در حق دول دیگر فکر تجاوز و حقوق پرورد، چنانکه امروز در مقابل ( اتفاق مثلث ) که در سال ( ۱۸۷۹ ) ما بین آلمان و اطریش مخفیانه منعقد بوده و در سال ( ۱۸۸۲ ) ایتالی هم اشراک نموده و در سال ( ۱۸۸۸ ) ایشا گردید. یک ( اتفاق مثلثی ) ما بین روس و فرانسه موجود است و مقدمات این ( اتفاق مثلثی ) پس از مغلوبیت فرانسه در جنگ آلمان ( ۱۸۷۰ ) بتوسط سفیر فرانسه ( ژنرال لوفلو ) در پترسبورگ احصار شد.

( ائتلاف مثلث ) ما بین روس و فرانسه و انگلیس هم همین مقصد یعنی برای حفظ موازنه دولیه است. چون دولت روس پس از مغلوبیت در جنگ ژاپون خود سیاسی اش در اروپا بخصوص در بالکان کسر گردید برای اعاده نفوذ و اطمینان از مداخله انگلیس بحركات و خیالات خرد در آسیا خود را مجبور به ائتلاف با انگلیس یعنی ترک رقابت و مخالفت با وی دیده بتوسط فرانسه که با طرفین اتفاق داشت اساس این ائتلاف را گذاشته و در ملاقات ره وال هم تاکید و تحکیمش نمود [۱]

حالا باید فهمید که ملاقات یکجا پیش امپراطور روس با رئیس جمهور فرانسه و امپراطور انگلیس چه نتایجی در حال ایران میتواند احدث نماید و تا چه اندازه ایرانیان درین ملاقات علاقه دار میباشد. این نقطه شایان تدقیق است. البته از پادها رفته است که یک سال و اندی سال پیش یک ( ریوال ) ملاقاتی

[۱] فرق میان اتفاق و ائتلاف این است که در اتفاق خواه تدافعی خواه تجاویزی بوده باشد. بموجب معاهده که در میان متفقہ دول منعقد است هر یک مجبوره اجرای وصایاییکه تعهد نموده اند هستند. در ائتلاف اینگونه تعهد و مجبوریت نیست همینقدر که به اجرای پلتیک و نفوذ یکدیگر مانع ترانشی نموده و با محبت و وفای حرکت کرده از ایراث ضرر یکدیگر احتساب مینمایند. ولی دول متفقہ هر قدر با هم وفای و اتفاق داشته باشند باز هر یک نفوذ و برتری خود را بر دیگری آرزو میکنند و میکوشند. چنانکه روس و انگلیس با اینکه در امور ایران متفق اند باز هر یک میخواهد که نفوذ و قدرتش از دیگری زیادتر بوده باشد.

میان امپراطور روس و انگلیس بعمل آمده و حال ایران هم مطرح مذاکره شد و قبل از آنهم عقد اتحادی بین دولتن شده بود و بام اتفاق دولتن روس و انگلیس درباره تسمیه جغرافیا ... ایران متن آغاخانیه بدولت ایران هم تبلیغ شد ، جراید مختلفه بخصوص نامه مقدس جلالتین درین باب پیش از وقوع ملاقات و اتفاق بحث های عمیق رانده و موشکافی کرده مضرات این معاهده را یک یک شمردند و فهمانیدند که استقلال ایران با این معاهده از میان میرود و حیثیت ایرانی را این معاهده بر باد میدهد ، اگرچه این اثرات هیجان در افکار مردم بخصوص وکلای مجلس ملی حاصل کرد ، اما آن هیجان آبی و سطح بود جز از پروتست حالی چاره و تدبیر دیگر بکار نبردند و باطل السحر آن معاهده را بدست یاوردند و اسباب را که میتواند اجرای احکام او را تاخیر و ابطال کند تهیه و تدارک نمودند تا اینکه آثار آن معاهده به تخریب پارلمان و برچیده شدن اساس مشروطیت و نفی و اعدام چندین فداکاران و بزرگان ملت آشکار و ماهر گشت و اختلال دو ساله را نتیجه داد

عجب تر این است که بعضی ها این معاهده اتفاق را درباره ایران بحال یک گرفتند و واسطه حفظ استقلال ایران از تجاوزات همسایه گان جنوب و شمال دانستند ، حتی کمان کردند که دولت روس و انگلیس بدین معاهده حفظ استقلال ایران را متکفل و ضامن ! شده اند . و در آغاز تجاوزات روس بدین فکر به قایمه لندن تلگراف هم شد که دولت انگلیس که نمه دار استقلال ایران شده چرا مساعده تجاوز روس میدهد ! چقدر خیال خام ! و چه طس باطل !

اگرچه درین معاهده اوای ماده را حفظ استقلال ایران قرار داده بودند ولی ما بایستی گول این کلمات را نخوریم و فهمیم که در عالم بوایتد خلوص نت و صفای طینت پیدا نمی شود و بخلوص و صمیمیتی که خالی از منفعت پرستی بوده باشد باور کردن جایز نیست ، و بیانات رسمی و علنی دول افکار و حیثیات پنهانی آنها را قاش نمی سازد و آنها را تعقیب افکار و خیالات خود باز نمیدارد ،

چنانکه وقایع دو سال گذشته ثابت کرد که اینها ظنیات ما باطل بوده و تخریب پارلمان و وقایع دل خراشیکه رویداد جز نتیجه این اتفاق چیز دیگر نبوده است ، و درین میدان جنگ وجدال محمدعلی بدخت سبه روزگار بقتضای تریقی که اخذ کرده بوده است جز واسطه و آلت چیز دیگر نبود و درین طایر خونین جز اجرای ترتیبات و رویکه مؤلفین و مرتبین طایر تشکیل و تعین کرده بودند وظیفه دیگر نداشت یعنی بازیگر و آکتور این طایر شده بود ، از طرف دیگر وزیر خارجه انگلیس هم رسماً بیان کرد که دولت انگلیس ابداً استقلال ایران را نهد و تکفل نکره است و ایرانیان خود باید حفظ استقلال خویش بنمایند و در حقیقت تکفل و ضمانت منافی با استقلال است !

اگرچه اختلال دو ساله در ترقیات ماده و مضویه مملکت تاثیر زیاد کرده و اساس مشروطیت را تحکیم و افراد ملت را ملتفت دقائق و وظایف حریت و مشروطیت آگاه ساخته و فکر اتحاد و اتفاق را در دلها جایگیر کرد و میتوان گفت که یک انقلاب معنوی و اجتماع حاصل کرده ترقیات ایرانرا ده سال پیش انداخت ، لیکن چون سبب یکانه این همه بدبختی و فلاکتها که نادانی و جهالت است باقی است اگر مثل سابق اسباب لازمه ترقی و حفظ استقلال را تهیه نمانیم و راه حقیقت وجدیت نه بیایم باز دوجار آن فلاکت و بدبختی خواهیم شد و جهالت و نادانی ما هرار محمدعلی تولید کرده و استقلال ایرانرا در زیر تجاوزات احاب خواهد انداخت و اساس مشروطیت و آزادی را متزلزل خواهد ساخت زیرا ( مشروطیت و آزادی بزرگتر از نادانی دشمنی ندارد ) !

البته این موقیت بزرگ احرار و مجاهدین و فدائیان بیور و افراد حمیت سرشت وطن در باز گرفتن حقوق منصوبه و تحکیم اساس مشروطیت - ابر دول را هم به اندیشه انداخته و آنها را به تبدیل فکر درباره ایران وا داشته و در روی افکار و خیالات فاسده شان در حق ایران اجرای تاثیر و نفوذ خواهد کرد و بلکه از تعقیب مسلك سابق شان ولو موقتاً بوده باشد منصرف خواهد ساخت اما از طرف دیگر می بینیم که پس از ملاقات ریوال

دانسته و پیشبندی و چاره جوئی می کنند  
 امروزها بنا بنوشته جراید گویا مابین امپراطور  
 روس و سلطان عثمانی هم ملاقاتی در اسلامبول واقع  
 خواهد شد و مسئله دارد تأیید میکند . چون  
 انقلاب عثمانی بر احوال ایران حالی از تأثیر نبوده  
 و در پلنیک عثمانی هم تبدلات بعمل آمده است  
 دولت روس ازین طرف هم دوجار بعضی موانع  
 میتواند بشود . چنانکه در چهار ماه پیش حکومت  
 عثمانی به مداخله و سالدات فرستادن روس پروتست  
 کرده و به حدود ایران بهرخیال بوده باشد عسکر  
 فرستاد . یعنی ایقاع موانع به افکار استیلا کارانه روس  
 کرد و فکر مودت و اتحادیکه امروزه مابین عثمانی  
 و ایران موجود است احتمال کلی میدهد که در  
 آینده هم عثمانی رضا به حریت حرکت روس در  
 آذربایجان ندهد . یعنی در مراحل انقلاب ملی و منافع  
 سیاس عثمانی در ایران میتواند بر امیکار روس تولید  
 موانع بکند ، از آنرو درین ملاقات امپراطور و  
 سلطان مذاکره این مطلب و تالیف فکر و مقصد  
 برای تصفیه راه املب احتمال است ، حتی تمایل  
 محسوسه پلنیک عثمانی بطرف پلنیک روس و انگلیس  
 که از زیارت و صورت قبول مبعوثان عثمانی در لندن  
 و امیکار جراید عثمانی مشهود است این مدعا را  
 بیکدرجه اثبات می کند و در حقیقت اهمیتیکه عثمانی  
 به استملاک جزیره ( کرید ) میدهد او را به ائتلاف  
 با دولت روس و انگلیس که از دول حامیه با نفوذ  
 جزیره هستند مجبور میسازد . و بدین است که  
 دولتین مذکورتهن مثل سایرین بدون مکافات مناسب  
 و بیبارت پلنیککی بدون ( تفویض سیاسی ) به تسلیم  
 ( کرید ) عثمانی رضا و احزه نخواهند داد و  
 دریصورت دولت عثمانی ولو ایسکه با یونان محاربه  
 کرده وغالب آید بار مجبور خواهد شد که با الحاق  
 مصر را به انگلیس و تونس را فرانس تصدیق و  
 طرابلس را به ایتالی تسلیم و بوزاز بحر سیاه را  
 به ساین خذکی روس کشاده و از منافع خود در  
 ایران چشم بیوشد و یا از جزیره ( کرید ) دست  
 بکشد ، و حالا حکم قطعی نمیتوان داد که دولت  
 عثمانی کدام ضریق را اختیار خواهد کرد  
 ولی نکته که لازم است شرح شود این است  
 که استیلا و نفوذ روس در آذربایجان قطعه اناطولی

و موقیبت اخیر ایرانیان مناسبات دوستانه و ائتلاف  
 مابین روس و انگلیس قوت و نفوذ زیاد پیدا کرده  
 است و ملاقات ( کووس واسپید ) هم بر این  
 معنی دایل ظاهر شمرده میشود و بدین ملاقات قوت  
 و پایداری ائتلاف و اتفاق ش انرا تمام اثبات  
 نمودند و احتمال کلی میرود که درین ملاقات احوال  
 حاضره و آتیه ایران هم موضوع بحث شده باشد .  
 چه درین دو سال اختلال ایران دولت روس به  
 پیشقدم حرکات اجرائیه آن ماهده اتفاق بود  
 برای عودت استبداد به وسایل متعدده تثبت نمود  
 و بلکه تمام کارهای دربار را او کرد . ولی باز در  
 داخل و خارج ایران دوجار موانع و محذورات شد  
 و در حرکات و خیالاتش خود را چندان آزاد ندیده  
 بخصوص حرکت بختیارها از اصفهان و سکون و  
 آسایش جنوب ایران و عدم مداخله انگلیس و  
 معاونت مادی مأمورین آن را دولت روس بر عدم  
 مساعدت و همراهی انگلیس در مداخلات ایران حمل  
 نموده و لزوم به تجدید عهد و تأیید عقد فیما بین  
 دید و ازین رو احتمال میرود که درین ملاقات  
 اخیر این مسئله مطرح مذاکره گردیده باشد  
 اگرچه این فکر مبنی بر طس میتواند بشود  
 و هر محتمل را قطعی نمیتوان شمرد ولی در عالم  
 سیاست ثابتات و محتملات را هم بنظر قطعی و واقعی  
 باید نگریست و درین چاره جوئی شد ، فرضیات  
 و احتمالات امروزی فردا از بدیهیات و واقعیات  
 میگردد . امروز ادعای فوق بحری دولت انگلیس  
 که میگوید باید قوه بحری من مقابل قوه دودولت  
 اروپا بوده باشد مبنی بدین ( احتمال ) است که اگر  
 آبخاناً دو دولت اروپا متفقاً باوی بچنگند بتوانند  
 مقاومت نماید و عدم مساعدت دول حامیه جزیره  
 ( کرید ) بر تسلیم جزیره به عثمانی باز بدین سبب  
 است که احتمال دارد عثمانی بکوتی ( هر قدر دور  
 بوده باشد ) جہازات جنگی تهیه نموده و در جزیره  
 که ازین نقطه اهمیت زیاد دارد تدارکات لازمه را  
 دیده مستملکات شمال افریقا و مصر را استرداد نماید  
 و در سواحل جنوبی اروپا صاحب نفوذ گردد ، و  
 اگر درست تدقیق کنیم می بینیم که همه تدابیر  
 پلنیککی و سیاست دول مبنی بر احتمال است ، یعنی  
 هر چیز را که داخل دایره احتمال است قطعی



را تهدید کرده و بر استقلال عثمان ریخته بزرگ حوادث انداخت و در میان دو دولت اسلامی حی گرفته و مانع هرگونه اتحاد و اتحاد آتیه این دو دولت خواهد گردید. حضا و مساعده بلندی عثمان در مسئله تقسیم اسیان چه ملاحظه که رایش حاضر کرد. اکثر محاربات که پس از آن مدت با روس درش کرده و معنوب شد و بسیاری از قصصات روایت خود را ترك کرد از اثر آن نگاه و حظای سیاسی محصول آمد و اگر درین مسئله هم اعمال و سلب ورود دوحه حصرات بررگر خواهد گردید پس از دگر افکار دول و شرح احتمال معرت سیاسی به بیم و دیده امروری ما چیست. چگونه تشبیدی این تهاجمات و مداخلات را بوده و استقلال و ص را حفظ خواهیم کرد پیش از همه باید بدانیم که حفظ استقلال و ص مقدس ما به دست انگلیس و روس به دست دولت دیگر خواهد بود. ایران و ایران را جز ایرانی رسد و آباد نتواند کرد و ایران جز محوشن ابدوار آید نشود و در باب افراد ملت ما دولت شریک و موصل و مسئول هستند

عنا و حکمی حقوق و صاع صلی و مهمه دولت را در سه خط خلاص کرده بد

اول - مدافعه و محافظه مملکت از تجاوزات خارجی  
دویم - تامین انتظام و آسایش داخلی

سیم - امر و تعمیم عدالت ما افراد ملت در مملکت انقلاب و اختلال داخلی علی الاطلاق سبب محو و خرابی آن مملکت میگردد زیرا انقلاب و اختلال مثل ایران يك حادثه اجتماعی و طبیعی است. و ترقیات و تکامل طبیعی هم اغلب اوقات در شکل انقلاب محصول می آید، چیزیکه امروز در مملکتی مثل ایران سد راه ترقیات و مانع تکامل میتواند بشود همانا تجاوز و مداخله احاب است به مملکت و تا ملت ایران از خیدالات و افکار و مداخلات احاب اطمینان و ایمنی نداشته باشد در اصلاحات داخلی ابدأ موفق نخواهد شد و مدع مداخله و حفظ استقلال و امنیت داخلی و خارجی هم نمی شود مگر در سایه قوه مسلحه دفاعیه، زیرا تا دولت ایران قوه کافیه دفاعیه ندارد هیچوقت از دستایر و مداخلات احاب آزاد و ایمن نخواهد بود

و حرفهای صحیح و قانونی خود را نخواهد توانست قبولاند و دول قویه هموار هر حرکت و جنبش قانونی و وقایع کوچک را برای مداخله وسیله و بهانه قرار داده بی چون و چرا مانع ترقیات و سب برایشان حواس خواهند گردید و انقلاب و تکامل طبیعی را وحشت و آنازشی خواهند خواند بکن آن اگر قوه دفاعیه حاضر بوده و مداخلات و تهاجمات دول قویه با قوه مسلحه جواب داده شود آنها را بر حای خود می نشاند و حقوق خود را می شناسند و فکر و وقت خود را صرف اجرای اصلاحات داخلی می کند چنانکه امروز در داخله روسیه چند سال است اختلال برپا است و در عرض دو سال قریب هفتاد هزار شخص اعدام و محرم سیاسی محکوم گردیده و درین اعدام و محکومیت هزاران تبعه دول دیگر بوده است اما چون قوه دفاعیه دارد یعنی حفظ استقلال خود را می کند، باز از دول معلومه بشمار میرود. و حتی اش می خواهد و ارین همه قتل و عارت و اعدام پروتست می گویند و مسئولان میداند و به امور داخلی اش مداخله می کنند و سام صرر و خسارات تجارت تبعه شان مطابقه تصمیبات می کند. زیرا قاعده الحکم من سلب امور در عالم سیاست جاری و حکم فرماست پس یگانه جره تخلیص و ص از ورطه محو و صمحلل و تامین استقبال و حفظ استقلال مافات به احصار قوه دفاعیه است و درین باب اوایل و طیفه دول اصلاح امور لشکری و تهیه و اكمال لوازم دفاعیه و تشکیل قشون ملی و وظیفه ملت هم معاونت و همراهی دولت ما حان و مال است و پس مختصری از اصول تطبیقات سیاه سویند

( اثر میرزا فتح الله خان مشیر حضور )

( کار برداز دولت علیه ایران )

( در ازبیر )

بارج ۲۵ شهر رمضان المعظم  
( ۱۳۲۷ هـ )

مطالعه مخصوص

عموم سیاسیون عالم در این مسئله متفق الرأید که در این عصر هیچ قومی نتواند استقلال خود را محافظه نموده یا بدایره ترقی بگذارد مگر در سایه قدرت عسکری و ملتیکه قوای لشکری خود را آماده بزرگوار داشته باشد و در این باره

لسانیکان متغیر باشد محققاً يك روزی مضحل خواهد شد ، دلیل واضحتر از این نمیشود که دول اروپا با وجود آنچه افکار انسانیت پرورانه و صلح خواهانه روزی نیست که بقوای قاهره خود نیافریند و متحمل فداکاریهای ما فوق النهایه شده سالی مبارکها بمصارف قشون نرسد ، ترجم بملل ضعیفه در مسایل بین الدولی معدوم است کله تمدن عنوانی است که قوه قویه بواسطه آن مرتکب هرگونه تجاوزات شدارانه میشوند احوال ترانسوال مراکش ، بخارا ، طستان ، ترکستان ، هندوستان قفقازیه و غیره در پیش چشم میباشد ، اگر فحوای (الحق بن سلب) در عالم جاری نبود ما از همسایه شالی با کمال ادب میرسیدیم که از روی سکدام عهدنامه قشون خودرا داخل مملکت ما کرده ، اگر مسئله محافظه تبعه را عنوان میکرد جواب میدادیم که اولاً عموم جهان میدانند که از ابتدای انقلاب کبیر ایران تا کنون بمحقوق احدی از اتباع خارجیه تجاوزی نشده ، و ثانیاً اگر بیوان محافظه حقوق تبعه ادخال قشون مملکت هموار خود حقه هر دولت است ما هم میبایست چهارسال قبل در واقعه جانگداز قفقازیه که خون هزاران ایرانی ساحق ریخته شد سپاه خود را محاله روسیه سوق کرده باشیم ، کان میکنم از معروضات فوق بوجه اختصار معلوم شد که بمعاهدات و حقوق بین الدولی مطمئن شدن خودرا فریب دادن است ، رعایت بعهود در بین دول متساوی القوی جاری است ، لذا ایرانیان نباید هیچوقت این مصرع را فراموش بکنند ( آماده شو بجهنگ اگر صلحت آرزوست )

اگر امروزه عموماً آماده و مریا بجهنگ شده برای مدافعه وطن تا برینجین آخرین قطره خون خود حاضر نباشیم و يك قشون منظمی ترتیب ندهیم حال است که از این ورطه هلاکت رها شویم ، ما گر دارای اردوهای منظم و مشق دیده مسلح سلحه های جدید نباشیم ممکن نیست سکته بتوانیم رفع خودرا در آسیای و سلی محکم ساخته و سلاحت داخله برداخته و چنانکه آرزو میکنیم يك پلنگ مستقیم و صمیمی که موافق با حیثیات صلح پرورانه و مدنیت خواهانه ماها باشد تعقیبناشیم از مسرودات آنچه بخوبی ظاهر گشت اگر نخواهیم

در سایه مشروطیت بعبادت حقیقه نایل آئیم احتیاج بقوه قاهره داریم آنها با تنظیم سپاه از روی اصول حاصل میشود و الا ایادی مستغلبه و مستبده در داخله و دول بهانه جوی خارجه مارا دقیقه راحت نخواهند گذاشت ، چنانکه دولت ژاپون سی و اند سال قبل بعد ارتأسیس حکومت بروفق مشروطیت اول کاریکه کرد تنظیم سپاه بود ، و در همان سال هزاران شاگرد بمدارس نظامی اروپا فرستاد (بنظرم سال اول دو هزار نفر باروپا رفت و پس از آن سائمانه هزار نفر شاگرد بآنها ملحق شده بد از اتمام تحصیل عملیات خود عودت مینمودند) و معلمین عسکری از فرنگستان آورد مکاتب جنگی ماز کرد خدمت اجباری نظامی را شامل بمعوم اهالی مملکت نمود ، تا اینکه بتدریج مالک بیک قوت مهیب لشکری شد و با سودکی باصلاحات داخلی برداخته در زمان قدیمی علمورا با ترقیات محیرالعقولش بحیث انداخت ،

ما هم بدون فوت وقت باید به تسبیقات قشون خود پردازیم تا لیاقت و شجاعت فطری خودرا بجهانیان هویدا بکرده يك ژاپون ثانوی بشویم ، در ایهم شك نیست داشتن يك قشون قوی احتیاج بمصارفات زیاد دارد ، بدبختانه از اثر بی مبالاتی و حیثیات حکومت زایل شده مستبد ملت بیچاره ایران مبتلا بفقیر و سفالت است و نمیتواند بامثال سایر دول معطله باین رودیها سائمانه ملیونها و ملیارها بمخارج سپاه برساند در احوال باید ترتیبی فکر کرد که موافق بحال امروزی ما باشد یعنی با مصارف مختصر يك قشون معتبر حاضر کرد ، ایهم با تطبیق قوانین نظامی دولت سوید مختلطاً ما بعضی ترتیبات سپاه آلمان ممکن است حاصل شود ولی ملاحظه اقلیم و احوال اجتماعی و اقتصادی و اعتباریه مملکت شرط است مثلاً باسانی ممکن است که قوای لشکری ایران را به سه قسم منقسم ساحت و قسم اول را قشون حاضر قرارداد که بامثال عساکر (وارفواد) سوید از مع این جوانان مملکت بعنوان داو ملی گرفته در مراکز لازمه در سرباز خانهها گذاشته بطور منظم تعلیم و مشق داد که اینها همیشه حاضر السلاح بوده در هنگام صلح در وقت لزوم تامین آسایش را در داخله بکند و در زمان جنگ

بشدار و سر صاف محاربن باشند، افراد این قشون را اگر از میدان مجاهدین حریت که در انقلاب اخیر ابراز مانر شجاعت و شهامت نموده اند انتخاب نماید بهتر است.

قسم دوم قشونی باید به مثل عساکر (اندلتای سوید) اخذ شود. یعنی ملاک اندازه ملاکشان سرمار بدوات دهند و متحمل مصارف آنها باشند برای تسریل جریان معاملات ایمنه نخست باید ایران را بناطق عسکری تقسیم کرد و در محال لازم ایجاد مراکز بسای نمود محض اینکه مطلب درست منوم شود یک تمثال می آورم، فرض بکنیم فلان شخص در نزدیکی شیراز یک دهی دارد و ده مرهور در منطقه بیست و سوم عسکری واقع بوده و مرکز آن شهر شیراز است، بیا علیه کیسیون محصوص اخذ عسکر آغا ده مرهور را از حیث موس و اراضی و عایدات و غیره تدقیق و تحقیق میکند، این از آن صاحب ده را مجبور میکند مقدار قانونی سرباز حاضر کند. آ بوقت صاحب ملک بقدر مقرر از میان اهالی قریه خودش معاون داوطلبی سرباز تهیه کرده از نظر کیسیون و صیب نلسای میگذراند در صورت قبول شدن جوانان برای مدت معینه خدمت عسکری را تعهد میکنند و مالک ده بآنها قدر معین رهن و سایر مدار زندگانی و یک باب خانه تخصیص مینماید و مصارف ابتدایه را هم ندأ تأدیه میکند بعد از حتام این معاملات افراد جدیده بافواج مقرره عریب بوده مدت لازمه را مشق میکنند و چون مشق و تعلیمات تمام میشود آنها هم عیاله های خود عودت کرده مشغول زراعت میشوند، تهیه اسلحه بهر ده دواب است فقط چون در ایران مدرجه حرب ما کافی نیست میتوانیم قیمت اسلحه را هم از ملاک بگیریم دهسایکه بکنفر مالک معین نداشته اراضی در دست رعایا آ بوقت هیئت اجتماعیه آنها بواسطه کدخدایان خود عساکر بدولت میدهند و متحمل مخارج آنها میشوند

قسم سوم قوه دفاعیه وطن را عموم ملت ایران باید تشکیل دهند یعنی ملت ایران را مثل سربازان ملل معطله باید بجای یک مملکت مسلحه در آورد، این بواسطه تشدید خدمت اجباری عسکری بسوم

طایقات ممکن میشود، فقط بحال چون قوه مالیه کم مساعد نیست میتوانیم در صورت موقت مدت تعلیمات و مشق را در هنگام صلح کم قرار دهیم، بانفرض اگر مجلس مقدس ملی قانونی بنضمون ذیل وضع بکند مقصود حاصل میشود

(عموم ایرانیان بلا استثنا از سن بیست الی چهل و پنج سالگی مدیون خدمت نظامی هستند و ادای آن در تحت مجبوریست میباشد، مدت خدمت پانزده سال است، هر ایرانی باید سه سال در خدمت حاضر شش سال در خدمت احتیاط، و شش سال در خدمت مستحفظ بسر برد، حالیه در صورت موقت در هنگام صلح در مدت خدمت حاضر هر سرباز سالانه سه ماه تعلیم گرفته و در مدت خدمت احتیاط دو مرتبه هر مرتبه ده روز مشق کرده و در خدمت مستحفظ بغیر از یک مرتبه سه سال مجبوریست دیگر عموماً داشت، معلولین و محکومین معاف خواهند بود)

بقر است اساس قشون ایران اگر از روی اصول ثلاثه معروضه فوق گذاشته آید و وزارت حلیه جنگ و مراکز اردوها و اداره لشکری بطور صحیح منظم گردد و از ممالک بیطرف مثل سوید و سویس و غیره معلم و مشایخ جلب شود و مکاتب نظامی بطرز اروپا باز گردد و عشا پر شجیه هم به تحت انتظام آورده شوند متعجب و مصادعت جزو بکل که لازم تیر مفارق که سپاه منظم است در میان قشون ایران موقع احرا گذاشته شود، انشاء الله عنقریب وطن شش هزار ساله شوکت و قدرت دیرینه خود را در خواهد یافت، شك نیست که با بودن حضرت اشرف افخم آقای سپه دار اعظم دامت شوکت در سر وزارت حلیه جنگ حای هرگونه امیدواری برای عموم ملت حاصل است و بزودی قشون ایران را مثل قشونهای سایر دول مقتدره خواهیم دید

مختصری از اصول تنظیمات سپاه سوید

### خلاصه تاریخی

بواسطه اصلاحات عمیر العقول و ترقیات فوق العاده که در زمان حکومت (کستاو وازا) که در اوایل قرن شانزدهم میلادی بعد از خلاصی دادن وطن خود از چنگال دولت دانبارک به مقام پادشاهی رسیده بود

قسم اول را وارنواد می نامند. قسم دوم موسوم به انداتا است. قسم سوم منشکل از داو طایبان تحصیل کرده است که خود را برای تدریس در مدارس نظامی حاضر مینمایند.

### ۱ - وار نواد

عساکر وار فواد نام دیگر (تروپ آروله) هر سال بواسطه کسینوهای مخصوص که در هر فوج تشکیل می یابد از میان جوانان هنده الی پست و یک ساله منتخب میشوند. مدت تعهد خدمت از دو تا هشت سال بوده تا پس بجهت تجدید تعهدنامه حایز است. این عساکر در سرباز خانه ها مقیم بوده و مصارفشان از طرف دولت داده میشود و بامثال سپاهیان سایر دول اروپا هستند.

### ۲ - انداتا

در زمان سلطنت شارل دوازدهم که در اوایل قرن هیجدهم مسیح بود صاحبان املاک سپاهیان را تدارک کرده و متحمل مصارف آنها میشدند و هر سرباز یک ناب خانه و یکقطعه زمین ولوارمات سایر بجهت مدار زندگی میدادند و در ارای آن خود و اولادشان معاف از خدمت نظامی بودند. بصاحبان هم از طرف دولت در مصاحبات منزل و محل معیشت تسهیلات میشد این ترتیب انداتا و ساء دیگر (تروپ کاتوه) بود.

هر چند از آن تاریخ بعد در قواعد آن تدارکات مهمه حاصل شد چنانکه بموجب قانون سنه ۱۹۰۰ ملاک هم مثل سایرین مجبور بخدمت شخصی هستند و دولت بکوجه مختصری در مقابله تیه تسهیلات آنها میدهد ولی باساس مسئله از این راه حل نرسید و اصول موضوعه که آآن هم جاری است بدین قرار است.

قصه حات و دهات مملکت را بطبقات تقسیم کرده اند هر قطعه را یک (روط) مینامند یک حصه یا یک قریه سبب توسعه اراضیش یک یا چندین روط تشکیل میدهد. هر روط باید بیک نفر سرور پیاده یا یک نفر سواره اگر در ساحل دریا واقع است یک نفر سرباز بجزیه برای خدمت در آن حاضر نماید.

همه ساله عساکر جدید (انداتا) که پس از از هنده الی پست است بواسطه روط ها از سر

در ملک حاصل شده و فتوحات نمایان (گستاو آدولف) که پس از بیست و یکسال سلطنت بافر و ظفر در سنه (۱۶۳۲) مسیح در جنگ مشهوره «سی سال» در سرباز خود در (آئر) کشته گردیده و غلبه های پی در پی شارل دوازدهم در سنه (۱۷۰۰) مسیح بممالک روسیه و دانمارک و لهستان دولت سوید در عداد دول مقتدره بشمار آمد. ولی شکست خوردن قشون آن از بطرکیر در سنه ۱۷۰۹ در (پلتاوا) از اقتدارش کاست و حکومت وی چون دید که باوجود همسایگان قوی بجهت مجال حمله ناست قوای خود را برای مدافعه حاضر نمود. چنانکه حالیه نیز در سایه قدرت خود از هجمات همجواران بزرگش مصون مانده و هیچیک از دول را جبارت دست درازی محقوق آن ملت کوچک نی باشد.

ترتیب سپاه سوید بوضع مخصوص ایست که بترتیب قشون سایر ممالک شباهتی ندارد. صاحبان و سرکردگان آن خیلی باهوش و دانا و از علوم ترقیات لشکری جبران با خبر هستند و اغلب آنها اتصالاً در سایر ممالک سیاحت نظامی کرده به معلومات خود می افزایند و بواقص خودشان را تکمیل میکنند و از هر گونه اختراعات حدیده عسکری و فنون جنگ استفاده مینمایند. میتوان گفت در علم بصاحبان سایر دول نسبتاً تفوق دارند. براریکه در این رساله بیان خواهد شد دولت مرور باوجود کمی بدجهت حرایش در پیش آمد یکجنگ میتواند یک کرور نفر قشون منظم و تعلیم دیده با اسلحه جدید تجهیز نموده میدان محاربه سوق نماید.

### اقسام عساکر

لشکر سوید به دو شعبه بزرگ مشعب است. شعبه اول عساکر مصنفه (تروپ کادره) میباشد که آنها باقسام مختلفه منقسم بوده بترتیب مخصوص و جداگانه بعنوان داو طلای گرفته میشوند.

شعبه دوم عموم جوانان مملکت (کوسگیری) هستند که در حین رسیدن باسنان مقرره بموجب قانون اجباری خدمت نظامی داخل قشون میکردند.

### شعبه اول

عساکر مصنفه (تروپ کادره) منقسم بر سه قسم میباشد.

کسیون مخصوص که در هر ولایت متشکل از رئیس فوج و حاکم آنولایت است میگذرند و طیب نظامی آنها را معاینه مینماید، قبول وردشان بسته بجنرال رئیس نظام میباشد، در صورت قبول افراد جدید تا به بچاه سالکی خدمت عسکری را تعهد مینمایند، پس از آن هر روط بسرباز خود مصارف ابتدایه لازم را میدهد، و يك تورت که عبارت از يك باب خانه و يكقطعه زمین و يك درختزار و اسباب زراعت و غیره است برای گذران سرباز در محل اقامت وی تخصیص میکند، بعد از ختام این معاملات نفقات بمحال افواج مقرره عزیزت مینمایند، اسلحه و البته جنگ اینها را دوات تدارک میکند

مدت مشق برای پیاده نظام در سال اول چهار ماه و در سال دوم بچاه روز است، مدت دعوت بزیر سلاح و سان معمولی هر ساله بیست و دو روز میباشد، بجهت سواره نظام یکصد و هفتاد و پنج روز سال اول و صد و هفتاد و پنج روز سال دوم و بیست روز مدت دعوت بزیر سلاح و سان و طانور سالیانه امتداد مییابد

پس از ختام مشق و تعلیمات سنوی سربازان بمحل اقامت خودشان را عودت نموده مشغول زراعت میشوند و روط همسایگان رجوع خدمتی نمانند، ولی دوات در وقت صلح عساکر مزبور را گاهی بخدمات عام المذمه از قبیل ساختن استحکامات و راهها و غیره میکارند

در هر مرکز فوج يك مخزن البته و اسلحه موجود است که در موقع لزوم عساکر فوج را از آنجا تجهیز مینمایند

روسا و ارکان افواج اندلانا در مراکز ولایات و صاحب مناصب در خالصجات در مواقعیکه دوات بآنها تئیس کرده سکنه دارند سربازان در وقتیکه در خانه های خودشان هستند صاحب مناصبان همیشه مواظب احوال آنها بوده غفلت نمیکند و يك صاحب منصب جزو هر سنه دو مرتبه بتنزل آنها رفته تفتش و سرکشی باسلحه و اسبابشان مینماید

اگر یکذری بسبب غایب شد یا وفات کرد ( روط ) مجبور است ملتمس تا سه ماه عوض او را پیدا کرده از ابر رئیس فوج بگذرانند درس بچاه مدت خدمت عسکر اندلانا تمام میشود،

روط باید درحق وی مستقری قاعد مقرر داشته و عوض او را بدولت بدهد  
جاهائیکه از آنها سواره گرفته میشود عوضی ( روط ) ( رستنگ ) نام دارد، نوبه اسپ و زین سواره هم بعهده رستنگ است

افواج ( اندلانا ) قشون حاضری برای مملکت تشکیل میدهند که مصارفات عمده اش تحصیل ملامت میشود  
داو طلبان تحصیل کرده

داو طلبان تحصیل کرده اشخاصی هستند که آرزوی ارتقا براتب صاحب منصبی یا صاحبمنصبی جزو دارند و چون یکی از شرایط دخول بمدارس نظامی اقلأ سه ماه مثل سربازها خدمت کردن در قشون است لذا هرکس طالب تحصیل بودن در مکاتب عسکری است در ابتدا بعنوان داوطلبی داخل و سپاه میگردد

### شعبه دوم

بموجب قوانین موضوعه در سنه ۱۸۸۵ و در سنه ۱۹۰۰ میلادی عموم اهالی سوید از سن بیست و يك الی چهل مدیون خدمت نظامی هستند، هشت سال درصنف اول (بوارنگ) چهار سال در صنف دوم آن و هشت سال درصنف مستحفظ (لاندستورم) بسر میبرند

سربازان جدید هر ساله بواسطه کبسیونهای مخصوص مواقع اخذ عسکر گرفته میشوند مدت خدمت حاضر سه ماه است در سواره نظام و بحریه، ایامت را در سال اول دخول بقشون بختام میرسانند در پیاده نظام شصت و هشت روز در سال اول و بیست و دو روز در سال دوم مشق میکنند، بعد از ختام ایامت عساکر مزبور در هنگام صلح بزیر از سان سالیانه و طیفه دیگر ندارند و هرکس بکار خود مشغول میشود، ولی در وقت جنگ عموماً دعوت بزیر سلاح میکنند، اشخاص علیاللزاج و معلول معاف از خدمت بوده، کشتیبانان و ناخداها و عهدهجات کشتیا که اقلأ یکسال در روی دریا سیاحت کرده اند در وقت صبح از مشق نظامی مستثنا هستند.

کسایکه بواسطه محکومیت قانونی لایق ادخال بسلك عسکری نیستند بصفت عمده کی درافواج بخدمت کاشته میشوند

تعلیمات اخذ عسکر

مملکت را برای تسریل امورات سرباز گیری و سه قطعه اخذ عسکر تقسیم کرده اند که هر يك از آن مطابق با دایره يك فوج است هر موقع اخذ عسکر هم بمواقع با طالبان و بسته و نیم دسته منسوب می باشد چنانکه در سوید ۱۹۷ موقع با طالبان ۱۹۷ موقع دسته و ۳۹۲ موقع هم دسته موجود است

مراکز فرقه ها

برای سهولت جریان مصالح عسکری و سرعت تجهیز سپاه در موقع جنگ سوید را به شش دایره رقه تقسیم کرده اند که هر دایره در تحت قوماندانی کنتفر جنرال رئیس نظام می باشد

ساحبمنصبان جزو

ساحبمنصبان جزو که عبارت از سرجوقه ها و وکیل ها و وکیل بانى ها هستند اغلب اوقات از عساکر لایق و برازنده و خوش اخلاق که در کتاب مخصوص ساحبمنصبى جزو اکمال تحصیل کرده اند منتخب میشوند

در مرکز هر فوج (وارفواد) یکباب مدرسه ساحبمنصبى جزو موحرد است، برای تحصیل و تعلیم ساحبمنصبان جزو افواج (انداتا) تنها يك باب مدرسه در شهر (کارلسبورغ) می باشد

در مدارس فوق تعلیمات و درسها سه رجه است که در درجه اول سرجوقه ها و در رجه دوم وکیل ها و وکیل باشها تحصیل میکنند، رجه سوم مخصوص اکمال فنون حرب و روشنائى فکار ساحبمنصبان جزو است

مدت تحصیل در هر يك از درجات مزبور چهارماه است و هر با طالبان سالیانه یک نفر ساحبمنصب جزو و ده نفر سرجوقه یا سرباز بمدارس مذکوره میفرستند

بجهت سواره نظام (انداتا) هم یکباب مدرسه ساحبمنصبى جزو در شهر (استقپولم) موجود است هر اسکادرون سنوی یک نفر بجهت تدریس بانجرا عزام میکند

هیئت مشکل از ساحبمنصبان در هر يك از این مدارس بصنّت معلی کاشته شده اند

در سال ۱۸۷۸ یکباب مکتب ساحبمنصبى جزو بجهت داوطلبان با سواد در شهر (کارلسبورغ) افتتاح یافته است و علومیکه در آنجا آموخته میشود عالیتر از مال سایر مدارس است

ساحبمنصبان

کلیه ساحبمنصبان از مدارس نظامی بیرون آمده اند، ترقیعات تا برتبه سلطانى بواسطه قدمت و پس از آن موقوف بپراز لیاقت است

مدارس ساحبمنصبان

شرایط دخول بمدرسه نظامی (کارلسبورغ) اولاً (باشیاه) شدن یعنی علوم ابتدای و رشدی و اعدادی را تکمیل کردن است، ثانیاً بنوان داوطلبی در يك فوج سه ماه بلیاقت خدمت نمودن است، ثالثاً در یکی از مدارس ساحبمنصبان جزو اکمال تحصیل نمودن و در هنگام مانورهای بزرگ حاضر شدن است (مانور مشق های بزرگ آخر سال را میگویند) شاگرد نظامی بعد از قبول شدن دو سال در مدرسه مزبوره تدریس میکند در ختام این مدت اگر از عهده امتحانات بر آمد برتبه نایب دومی نایل میشود، از این مدرسه سالیانه یکصد نفر شاگرد فارغ التحصیل بیرون می آیند

پس از استحصال شهادتنامه اشخاصیکه می خواهند ساحبمنصب توبخانه یا استحکامات بشوند دو سال دیگر در مکتب مخصوص (کارلسبورغ) اخذ تعلیمات کرده بدرجه نایب اولی ارتقا می یابند، کسانیکه آرزوی ساحبمنصبى سواره نظام را دارند بعد از (کارلسبورغ) ده ماه دیگر در مکتب سواره (استقپولم) بسر می برند و اکثر ساحبمنصبان سایر صنوف هم برای اکمال فنون اسب سواری مدتی در آنجا میمانند

مدرسه مرکزی ژمناستیک

عموم ساحبمنصبان بنوبت یازده ماه در مدرسه ژمناستیک تعلیمات بدنیه را یاد میگیرند و در ختام این مدت نهایت درجه بقوت و جلادت خویش می افزایند، کلیه اهالی سوید کمال میل را بریاضیات بدنیه دارند

مدرسه تیر اندازی

هر فوج سالیانه یک نفر نایب دوم یا اول برای

اکمال معلومات تیر اندازی بمدرسه ( روزرسبورغ )  
که مخصوص این فن است میفرستند

دارالتون عالیہ حرب

باین دارالتون صاحبمنصبانی قبول میشود که بعد از چندین سال خدمت در افواج از عہدہ امتحانات لازمه برای دخول بآنجا برمی آید . مدت تحصیل دو سال است . اگر صاحبمنصبان در سر اجمدت شہادتنامہ گرفتند داخل ہیئت ارکان حرب میشود ہرچند گاہی برای روش کردن افکار و اردیاد معلومات عسکری بعضی از صاحبمنصبان را بدون دادن امتحان اخذہ تدریس در دارالتون مرور میدہند . ولی این اشخاص برتبہ صاحبمنصبی ارکان حرب نایل نمیکردند

ترکیب افواج

یک فوج پیادہ نظام کہ سپردہ بہ یکفر سرہنگ است منقسم بدو باطالان و ہر باطالان در زیر قوماندانی یک نفر یاور بودہ و دارای چہار دستہ

است . ہر دستہ مرکب از یک نفر سلطان ، دو نفر نایب اول ، دو نفر نایب دوم ، یک نفر وکیلباشی سہ نفر وکیل ، شش نفر سرجوقہ ، دو نفر شیورجی ، سہ نفر طبل زن ، و یک صد نفر سرباز میباشد . یک فوج سوارہ نظام از دو الا چہار اسکادرون دارد ، ہر اسکادرونی مرکب از یک نفر یاور ، یک نفر نایب اول ، یک نفر نایب دوم ، یک نفر وکیلباشی . سہ نفر وکیل ، یک نفر بیطار شش نفر سرجوقہ ، و یکصد نفر سوارہ است

یک فوج توپخانہ دارای شش باطری بودہ ہر باطری از پنجتر صاحبمنصب و یکصد و بیست و پنج نفر توپچی ترکیب یافتہ دارای ہشت عرادہ توپ میباشد

عدہ قشون حاضر

عساکر مصنفہ ( توپ کادروہ ) کہ قشون حاضر است قریب بیچہل ہزار نفر میباشد . و ترکیب آن از جدول ذیل معلوم خواہد شد

اسب	استہفای لشکری		افراد عساکر		موزیکامپیان		ادوات	تولیدات	تولیدات	تولیدات	تولیدات
	محل	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد					
پیادہ نظام	۲۴۱	۵۵	۱۴۶	۲۴۷۸۷	۲۰۷۹۶	۳۹۹۶	۹۹۵	۲۹۲	۱۱۳۳	۱۲۲۵	۱۲۲۵
سوارہ نظام	۴۸۲	۸	۵۲	۴۷۳۰	۴۲۴۹	۳۶۶	۱۱۵	۳۷	۲۱۰	۲۳۲	۲۳۲
توپخانہ	۵۲	۱۰۹	۳۴	۳۴۳۲	۲۷۷۳	۵۳۴	۱۲۵	۴۶	۲۵۵	۳۰۳	۳۰۳
صنوف سایرہ	۱۲۲	۱۰۶	۱۶۳	۱۳۸۰	۹۸۷	۳۵۶	۳۷	۸	۱۸۴	۱۹۲	۱۹۲
مجموع	۸۹۷	۲۷۸	۴۹۵	۳۴۳۲۹	۲۸۸۰۵	۴۲۵۲	۱۳۷۳	۳۸۳	۱۷۸۲	۱۹۴۷	۱۹۴۷

از صنف دوم ( ہوارنگ ) ۷۵۰۰۰۰ نفر  
از لاندستورم ۲۰۳۰۰۰ نفر  
مجموع ۴۹۸۰۰۰ نفر

بدجہ حرب

مصارف قشون بری دولت سوید سالیانہ بالغ ہشازدہ کروہ دوہست و شصت ہزار تومن میشود . ( فرانک از قرار دو قران حساب شدہ )

قشون ممکن التحمیز

دولت سوید در ہنکام پیش آمد یک خذگ میتواند قریب یک کروہ ہر عساکر مشق دیدہ ہزار دیل تجمیز نماید

از قشون مصنفہ یا حاضر ۳۹۰۰۰ نفر  
از صنف اول ( ہوارنگ ) ۱۸۱۰۰۰ نفر

اسلحه قشون

بیاده نظام سوید با تفنگ‌های سریع تیر(ماوزر) و سواره نظام با تفنگ (کارابین) مسلح میباشند توپخانه (موتنه) با توپهای طرح جدید کروپ که اندازه دهنة شان ۸۹ میلیمتر است مجهز بوده و توپچیان صحرا توپهای (۷۵) میلیمتری دارند

قوای بحری

دولت سوید هشتاد و شش کشتی جنگی بزرگ و کوچک دارد که اینهم قوه دفاعیه بحری آرا در صورت مکمل و کافی تشکیل میدهد

( فدای وطن )

( کار پرداز اول ایران در ازمیر )

( فتح الله طباطبائی )

حل المتین

جناب آقا میرزا فتح الله خان مشیر حضور جنرال قونسل دولت علیه در ازمیر که جوانیت فاضل و مطلع و آگاه بوضع زمان و خدمات ذی قیمت شان در راه وطن و استقلال ملت و دولت هماره در صفحات جراند مله، زیت بخش بوده دو سال و اندی قبل که در مجلس مقدس ملی بحث از اصلاح قشون درمیان بود رساله دروضع و سیاق و اصول لشکری آلمان نوشته که عیناً در نامه مقدسه هم درج نمودیم ولی آن ایام ظاهر بود که از مباحث الفاظ خارج نمی شدند، و زحمات خیر خواهان برایگان میرفت

چون وضع و سیاق قشون سوید امروزه بهترین اصول لشکری اروپا شناخته شده و بصره هم مقرون است از ایشان خواهش نمودیم که سیاق لشکر سوید را نیز ترجمه نموده برای درج در جبل المتین و گذشتن از نظر اولیای دولت بفرستند آن غیرت مندیگانه این زحمت را نیز متحمل شده اینک ما برای توجه اولیای دولت نکاشته انشاء الله بی نتیجه و اثر نماند و امیدواریم قدر دانی کافی ازین گونه جوانان لایق فاضل بشود، چه در حقیقت سعادت آینده وطن منوط بقدر دانی ازین گونه ابناء عالم و فاضل است، و تا امتیازات فضلی در کار نیاید هیچ گونه توفی در ابناء وطن عزیز ما پیش نخواهد آمد، اگرچه بواسطه کم داشتن مردمان لایق مشکل است اصول امتیازات فضلی را

امروز در هر اداره بدرجه کمال جاری نمایم ولی تا جائیکه ممکن است نباید صرف نظر از رجال قابل و جوانان تعلیم یافته در خارج و داخل به شود

مکتوب از عباسی

باید دانست که وجود محترمی مانند حجت الاسلام لاری منزله از برخی اتهامات است این سید بزرگوار در جمیع عالمی ایران اول شخصی است که بیرق مشروطیت بلند نمود اولین مروج احکام صادره از مقام منبع ریاست روحانی در جنوب ایشان بودند خدمات این وجود محترم به شریعت اسلام و مشروطیت ایران بالاتر از آن است که ما بتوانیم بیان نمود و مقام منبع شان اجل است از صدور برخی احکام، بنام می بریم بخدا از افتراهای دشمنان دین و دولت باین ذات محترم، آیا کسی میتواند بگوید حضرت ایشان احکام شرعی را نمیدانند و یا خدای ناخواسته برخلاف شرع حکمی صادر فرمایند، خاندان قوام از سی سال باین طرف با حضرت آقا دشمنی دارند و درین آخرین موقع هم طاهر گردید که نصرالدوله چه آنتی در لار افروخت، اینت نیز محض عداوت حضرت سید و داشته که برخی اشهارات کاذبه بدهند، ایل عرب و بهارلو را دو نارس و کرمان تا بندر عباس محرك شده که بمارت مشغول و شهرت دهند که تا بهر سید آند، خوری و اوزی و بستکی و جراحی و غیره را با آنهم حصه که در قتل و غارت لار همراهی نصرالدوله داشتند بهیاهو باز داشته باسم مذهب بنای فریاد و فغان را گذارده حتی باسلامبول منظم شدند و حال آنکه بحق صاحب شریعت تماش کذب و افترا بود و این حمله هم از قوامیان نشئت نمود عجب تر آنکه باندازه هیاهوی در خارج و داخل انداختند که بر وزارت حلیه داخله هم امر مشبه شد

پس از برقراری مشروطیت و صدور حکم مقام منبع ریاست روحانی که اجرای امر مشروطیت موکول باولیای امور است حجت الاسلام لاری اعلان بی طرفی از هرگونه اقدام فرمود و حرکاتیکه مورت هرج و مرج شود حرام قرار داد. چه قدر ما مسروریم از اینکه اتهامات و افتاء شبهاتیکه در حق حضرت آقا داده می شد کشف گردید که بی پای



مکتوب از مشبه  
( بگویم یا نگویم )

این جمله استفسارآمیزه وود زبان دانایان عصر حاضر و ملل متشقه ویژه ایرانیان است به فتاوی و افحہ عقلاء که گفته اند، سخن راندن موقی و سزاوار است که از نگفتش القاء شبهاتی شده و نهفتش موارث سنگ دماء گردد، ولی گفتن آن سخن رافع شبهات باشد، فقط این قصه نادره بر نضه تا حال صورت واقع و شکل حقیقت پیدا نکرده بود که نکته را نتوان گفت و نتوان نفهه، بصارت واضح آنکه گفتش مورت اغتشاش افهان و نهفتش باعث مسئولیت در محکمه قاضی وجدان گردد، نظر بدین دلیل موجه و ایراد موخس باشمار حکایت جمله منوی ملتزم

مقدمتاً باید دانست که هر آنچه عرض میشود آیا خیر خواهی ملت و صلاح اندیش درباره دولت است یا اغراض شخصی و هوا و هوس، آیا ناشی از جنون و غرور و متق و بیهوشی است یا ایجاد از عقل و وطن پرستی و ملت دوستی است؟ آیا این عبارات برای بر کردن صفحات جریده است یا حاوی مطالب صحیحه؟ بنا بر تدبیر که تعیین فقرات منوط بانصاف قاری است عرض مینماید

بته دو سال است که چندین هزار خون جوانان ملی بتدریج بانواع عقوبات ریخته شده و هنوز این خاك پاك بدو عین است، و بدهانتاً هر ناظری میتواند شهادت دهد که این همه سنگ دماء بی شایبه اغراض برای انتشار آزادی و عدالت و اشتراط بوده، ماها که در نیات خالصه آنان شریک و سهم بودیم و اطهار همدردی میکردیم خوب است برای قدردانی و قیمت شناسی خون آنان قدمی بنحیر ملت فرا پیش رفته و حرفهای صلح جویانه زده و مال اندیشی داشته باشیم، همینکه خود را برای گفتن و شنیدن حرفهای حق و خیر خواهانه حاضر نمودیم باید از خود سؤال نمود که آیا در سال قبل مجلس شورای ما با آنچه بنای محکم و شرائط مستحکم که تصور ویرایش را احدی نمی نمود برای چه به ضمیمه اتلاف نفوس بیداران و شیوران ملت شیرازه اش ازهم پاشیده شده خراب و منهدم گردیده؟ آیا غیر از این بود که در انتخابات عالم را از جاهلیت

بی بنیاد بوده است، امیدواریم که وزارت جلیله داخله ماده فساد و انقلاب را از فارس که بی قوام باشند برکنده دارد و هرگاه چشم پوئی ازین امر شود باید از امنیت فارس صرف نظر نمایند فرضاً ابواب جمعهای آنها را بگیرند بازهم مسلماً از انقلاب دست بردار نخواهند گردید، ایل عرب و بهارلو که گوی سبقت را از جمیع دزدان ایران ربوده اند اعم بر اینکه ابواب جمع آنها باشند یا نباشند تابع اشارات بی قوامند، شاعرزاده ظل السلطان که در امنیت فارس نام نیکو حاصل نمود فقط بواسطه آن بود که پسران قوام را خارج کرده بود، در صورتیکه اشخاص بزرگ را که منافی با امنیت شناخته شده دولت جدید از ایران خارج نمود از بی قوام که مسلماً زیانشان با امنیت جنوب از آنها بیش است صرف نظر نیاید به نمایند، اخراج نمودن آنها از ایران لازم نیست، از خاک فارس شان خارج نموده در نقطه دیگر (که غیر طهران باشد) سکونتشان دهند ورنه دو تیره کی محال است از اهل فارس مرتفع شود و با وجود دو تیره کی امنیت غیر ممکن است، سواران عرب و بهارلو که می آیند اطراف بندر عباس را قتل و غارت مینمایند بشاره کینت و بچه غرض است؟ آیا برای این نیست که اگر بتوانند بهانه همسایه دهند: آیا وطن فروشی و اسلام کشی بالاتر از این هم به تصور می آید؟ هرگاه جلوگیری نشود عاقبتی بسیار وخیم خواهد داشت و اوضاعی پیش خواهد آمد که از جلوگیری عاجز مانیم

اعلان حضرت مستطاب  
( حجة الاسلام لاری )

خدمت تمام برادران دینی و خواهان ملت مشروطه اعلان مینماید، داعی تمام سی و مجاهده که کردم از برای استقرار مشروطیت و استرداد حقوق مقصوبه اهل ملت بود و غرضی بینی و بین الله نداشته ام و ندارم جز آسایش عباد و انتظام بلاد و حال که الحمدلله تمالی استقرار مشروطیت شده دیگر مداخله داعی نمیکم و امور با مجلس مقدس دارالشوراء و رؤساء ملت است، و اعلان مینمایم که داخله و خارجه و شیعه و سنی حفظ مال و جان همگی واجب و ریختن خون و بردن مال جمیع حرام و مخرج از اسلام چنانچه در اعلانات سابق هم نوشته ام ( محل مبر مبارک )